

# روابط ایران و فرانسه در دهه اول انقلاب اسلامی

□ پژوهشی از دکتر مجید بزرگمهری  
عضو هیئت علمی کمیسیون ملی یونسکو در ایران

## مقدمه:

مناسبات جمهوری اسلامی ایران با فرانسه در دهه اول انقلاب اسلامی، نمونه‌ای از پرفراز و نشیب‌ترین روابط میان ایران و یکی از کشورهای مهم اروپای غربی است. در سال ۱۳۵۷ واژگونی رژیمی که در نظام دو قطبی جهان، از ستونهای مهم بلوک غرب در خاورمیانه و خلیج فارس محسوب می‌شد و بدنبال آن، تثبیت رژیم جدیدی که به لحاظ میانی ایدئولوژیک خود، سیاست دوری از غرب و شرق را سرلوحه دیپلماسی خویش قرار داده بود، بازتابهای مهمی در جهان داشت. اروپای غربی که یکی از دوستان وفادار خود را از دست داده بود، نسبت به سیاست رژیم جدید شناخت کافی نداشت و آینده روابط با آن را در هاله‌ای از ابهام می‌نگریست. با سپری شدن اندک زمانی تضادها، چه در میانی تفکر و چه در منافع، شعله اختلاف و دشمنی را برافروخت و روابط ایران با کشورهای مهم اروپای غربی را دستخوش تلاطمهای بعضاً سهمگین نمود. هدف ما در این مقاله مروری بر روند تحولات روابط سیاسی ایران و فرانسه در دهه اول انقلاب اسلامی ایران است و در خلال آن سعی می‌کنیم عواملی را که باعث تقویت و توسعه یا سردی و در مواردی قطع کامل روابط بوده است مورد کنکاش اجمالی قرار دهیم. مطالعه روابط ایران و فرانسه از ویژگیهایی برخوردار است که اهمیت این تحقیق را دوچندان می‌کند. نخست اینکه این مطالعه می‌تواند در یک دورنمای کلی، الگویی از تحولات روابط ایران با کشورهای اروپای غربی را در دهه اول انقلاب به تصویر کشد؛ دوم اینکه فرانسه از جمله اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل است و روند روابط ایران و فرانسه با توجه به پشتیبانی فرانسه از عراق در خلال جنگ تحمیلی، توضیح دهنده نکات مهمی در زمینه موازنه منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس و خاورمیانه می‌باشد؛ سوم اینکه در خلال این دهه، سیاست خارجی هر دو کشور نسبت به یکدیگر دستخوش تغییرات عمده‌ای شده است که کنکاش پیرامون آن روشنگر ریشه‌ها و علل برخی از سیاستهای امروز هر دو کشور می‌باشد؛ چهارم اینکه این تحقیق می‌تواند رهگشای بسیاری از تنگناها و گره‌های نظری و عملی در آینده روابط و گامی در جهت بهبود این روابط باشد.

این مطالعه با بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای به بررسی وقایع پرداخته است. منابع اصلی این تحقیق را اخبار روزنامه‌ها و مجلات فرانسوی و فارسی زبان و باره‌ای از گزارشهای تهیه شده توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌دهد. البته کتابهایی نیز که به مباحثی چون سیاست خارجی ایران و فرانسه پرداخته، از دایره تحقیق و کنکاش دور نمانده است. تذکر این نکته را ضروری می‌داند که به علت تازه بودن حوادث، امکان دسترسی به اسناد درجه یک (چه فارسی و چه فرانسه) برای محقق وجود نداشته است، زیرا اداره آرشیو اسناد وزارت خارجه فرانسه معمولاً پس از گذشت ۳۰ سال، اسناد و مدارک خود را طبق مقرراتی خاص در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. با آنکه دقت و وقت فراوانی برای طبقه‌بندی و تفکیک خبرهای مجعول و کذب از اخبار درست و مستند مبذول شده، احتمال وجود برخی اشتباهات جزئی در اسامی یا تاریخ حوادث را منکر نمی‌شویم، اما معتقدیم که توصیف روند کلی وقایع مبتنی بر اطلاعات مستند می‌باشد.

## از حسن تفاهم تا سردی روابط دو کشور:

امیرعباس هویدا، با توجه به اینکه هویدا در محافل فرانسوی از محبوبیتی نسبی برخوردار بود، مطبوعات فرانسوی در برابر این اعدامها موضع گرفتند.<sup>۳</sup>

تصمیم شورای انقلاب به ملی کردن بخش عمده‌ای از صنایع که بعضاً با سرمایه خارجی برپا شده بود، مخالفت و واکنش محافل اقتصادی فرانسه را برانگیخت. ایران یکجانبه بسیاری از قراردادها در زمینه تجهیزات اتمی، صنایع سنگین، اتومبیل‌های سواری و مبادلات کشاورزی با فرانسه را لغو کرد و پاره‌ای از شرکتهای فرانسوی که از این اقدام متضرر شده بودند به دادگاه‌های فرانسه شکایت کردند. روزنامه لیبراسیون نوشت انقلاب ایران چهار میلیارد فرانک به فرانسه ضرر زده است و به نظر کارشناسان اقتصادی ضرری که این انقلاب در مجموع به شرکتهای بیمه فرانسوی و کل اقتصاد فرانسه وارد آورده، برابر ده میلیارد فرانک می‌شود.<sup>۴</sup>

موضع دولت فرانسه، پس از آگاهی از سیاست خارجی جدید جمهوری اسلامی که مبتنی بر پاره‌ای اصول انقلابی مانند نفی کامل و بدون قید و شرط سلطه آمریکا و همپیمانانش بر کشور، تکیه بر شعار نه شرقی - نه غربی، پشتیبانی از حرکتهای اسلامی و آزادیبخش ملتها و دوستی با دولتهای مستضعف آفریقای و آسیایی بود، دستخوش تغییراتی شد.

کانال اول تلویزیون فرانسه که از پر بیننده ترین شبکه‌های تصویری فرانسه است در تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۵۸ از خوزستان ایران با نامی مجعول یاد کرد و نقشه‌ای که همین نام را در خود داشت به نمایش گذاشت. سفیر ایران در اعتراض به این اقدام یادداشت تندی به وزارت امور خارجه فرانسه ارسال داشت و از این رفتار غیردوستانه تلویزیون فرانسه انتقاد کرد.

شمار زیادی از فراریان وابسته به رژیم گذشته به تدریج در فرانسه متمرکز شدند و مطبوعات آن کشور را تحت تأثیر تبلیغات سوء خود قرار دادند. صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه وقت ایران، در جریان سفری به اروپای غربی، دولت فرانسه را به دلیل اینکه پناهگاه آوارگان سیاسی و پایگاهی برای توطئه برضد جمهوری اسلامی ایران شده است مورد سرزنش قرار داد و گفت: «روابط دوستانه دو کشور می‌توانست برای همیشه پایدار بماند، اما متأسفانه برخورد نامناسب مطبوعات فرانسه با ایران، مبین نظرات دولت فرانسه است. این گونه اعمال را نمی‌توان برای مدت طولانی تحمل کرد.»<sup>۵</sup>

پناه دادن دولت فرانسه به شاهپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر رژیم شاه، در تیره شدن روابط دو کشور در همان مراحل ابتدائی نقش به‌سزایی داشت. ترور ناموفق بختیار در فرانسه توسط یک گروه لبنانی به رهبری انیس نقاش (الیاس ابومازان) عضو الفتح، روابط دو کشور را دچار بحران عجیبی ساخت. در جریان این حادثه، یک پلیس و یکی از اهالی محل کشته شدند. بنا به ادعای رسانه‌های گروهی فرانسه، انیس

اقامت کوتاه ولی پرنمر امام خمینی (قدس سره) در فرانسه و نقش حساس رسانه‌های گروهی و مطبوعات آن کشور در انعکاس نظرات ایشان و شناساندن آرمانهای مردم انقلابی ایران به جهانیان، اثر بسیار مثبتی در افکار عمومی مردم ایران نسبت به فرانسه گذاشت. اولین مصاحبه طولانی حضرت امام با جرید غربی در اوایل سال ۱۹۷۸م توسط روزنامه لوموند به چاپ رسید. حضرت امام در مدت چهار ماه اقامت خود در نوفل لوشاتو، سی‌ودو مصاحبه با رادیو، تلویزیون و مطبوعات فرانسه داشتند. در همین دوره پنجاه اعلامیه از طرف ایشان منتشر گردید. دولت فرانسه نیز در جریان انقلاب، موضع بیطرفی در پیش گرفت و تأکید داشت که ضمن پیگیری حوادث، از دخالت در امور داخلی کشورها شدیداً پرهیز می‌کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران اولین سفیر جدید خود، شمس‌الدین امیرعلایی را به فرانسه اعزام داشت. وی در خرداد ماه ۱۳۵۸ توسط والرئیس‌سکارستن رئیس‌جمهور وقت فرانسه در کاخ الیزه به حضور پذیرفته شد و استوارنامه خود را تسلیم کرد. ژسکارستن طی سخنانی در این دیدار گفت: «فرانسه مانند ایران عقیده دارد که این حق هر ملتی است که شخصاً و بدون کوچکترین دخالتی از جانب یک دولت خارجی، آینده خود را مشخص کند و راه رسیدن به آینده خود را دنبال نماید». وی در پایان نطق خود یادآور شد که فرانسه کشوری است که در هایش برای همکاری بین‌المللی و برای ترقی و صلح بیشتر باز است. در چارچوب چنین سیاستی است که فرانسه خواستار بسط روابط با ایران است، روابطی که به نفع هر دو کشور باشد و از سنن و علائق تاریخی دو ملت الهام بگیرد.<sup>۶</sup>

در این دوره فرانسه هنوز از مواضع قطعی جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست خارجی آگاه نبود و با توجه به حضور دولتمردان لیبرال در دستگاه دولت موقت، احتمال اتخاذ مواضع انقلابی تند را از طرف ایران نمی‌داد. البته از همان ابتدا نخستین نشانه‌های اختلاف بینش نسبت به نظام بین‌المللی میان دولتمردان دو کشور آشکار شد. سفیر جدید ایران حامل پیام حضرت امام (قدس سره) به رئیس‌جمهور فرانسه بود. رهبر کبیر انقلاب، طی این پیام، خطاب به رئیس‌جمهور فرانسه اظهار داشتند: «من خیلی از دوستان فرانسوی خود متشکرم که به من فرصت دادند صدای حق و حقیقت را از پاریس به ملت ایران برسانم و این انقلاب را رهبری کنم ولی من از دوستان فرانسوی خودم هیچ انتظار نداشتم که برای من مستی جانی، مستی دزد، مستی شکنجه‌گر، مستی آشوب‌گر و مستی ضدبشر، حقوق بشر را به رخ ما بکشند و به میان آورند، زیرا اینها آدم کش بودند و بشر را می‌کشتند».

شایان ذکر است که به دنبال اعدامهای انقلابی، بویژه اعدام

تروریستها و خرابکاران پناهندگی سیاسی داده بود اعتراض نمود. در سپتامبر ۱۹۸۱ نیز از خروج شهروندان فرانسوی از ایران جلوگیری شد و پاریس که شدیداً نگران تکرار قضیه اشغال لانه جاسوسی، این بار در مورد سفارت فرانسه بود، پس از یک رشته مذاکرات فشرده توانست ۱۵۷ نفر از اتباع خود را از ایران خارج سازد.

باآنکه بنی صدر و رجوی به شرط عدم فعالیت سیاسی از حق پناهندگی برخوردار شده بودند، لیکن به تدریج فعالیتهای سیاسی خود را آغاز کردند. گروه رجوی در ۷ ژوئیه ۱۹۸۳ هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ شرکت هواپیمائی ملی ایران (هما) را ربود و هواپیمای مزبور در فرودگاه پاریس به زمین نشست. به دنبال این عمل تروریستی، وزارت امور خارجه ایران در روز ۱۹ تیرماه ۱۳۶۲ انستیتوی فرهنگی فرانسه در تهران و کنسولگری آن کشور در اصفهان را تعطیل کرد و در بیانیه خود از دولت فرانسه با نام دولت سوسیال صهیونیست نام برد. در این بیانیه آمده بود: «دولت سوسیال صهیونیست فرانسه که دشمنی خود را بارها با امت مسلمان ایران به اثبات رسانده است، این بار با همکاری جدیدی که با تروریسم بین المللی از طریق ایجاد تسهیلات و امکانات برای ربایندگان هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران انجام داد، سیاست خصمانه و مردم فریب خود را به اوج رساند... رژیم فرانسه در روند صعودی دشمنی خود با مردم شهیدپرور ایران از هیچ اقدامی فروگذار نکرده و نقش خود را در تمامی اعمال جنایت آمیز و ضد انسانی جبهه مشترک ضد انقلاب داخلی و خارجی ایفاء نموده است.»<sup>۸</sup>

از سوی دیگر، در شصت و هشتمین اجلاس سازمان بین المللی کار در ژنو که با سخنرانی فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه شروع به کار کرد، هیئت ایرانی به هنگام سخنرانی میتران به نشانه اعتراض به سیاستهای ضد اسلامی و سفر میتران به اسرائیل، الله اکبر گویان جلسه را ترک کرد. احمد توکلی سرپرست هیئت ایرانی و وزیرکار و امور اجتماعی وقت ایران در گفتگو با خبرنگاری فرانسه اعلام داشت: «ما حاضر نیستیم سخنرانی یک شخصیت سیاسی حامی صهیونیسم را در کنفرانسی که به نام کارگران مستضعف جهان تشکیل شده است گوش کنیم».<sup>۹</sup>

در مجموع، حضور اعضاء و رهبران سازمان مجاهدین خلق در فرانسه، از جمله مسائلی بوده است که همواره بر روابط ایران و فرانسه پس از انقلاب اسلامی اثر گذاشته است و مسئولان وزارت امور خارجه ایران در تماسهای خود با دولتمردان فرانسه، بارها خواسته خود مبنی بر اخراج منافقین از فرانسه را گوشزد کرده اند.

ب - حمایت تسلیحاتی و اقتصادی فرانسه از رژیم عراق در طول جنگ تحمیلی: آغاز روابط گسترده عراق و فرانسه به سال ۱۹۷۶ میلادی بازمی گردد. در آن سال، صدام حسین ضمن بازدید از فرانسه موفق شد قراردادهای متعددی از جمله در زمینه بریانی راکتور اتمی در عراق (اوزیراک) و تجهیز عراق به تکنولوژی و کارشناسان اتمی و همچنین نظارت فرانسه بر ایجاد متروی بغداد و غیره به امضاء برساند.

نقاش پس از دستگیری، گفته بود که یاسر عرفات بنا به درخواست ایرانیان دستور این ترور را صادر کرده است. البته دولت ایران دخالت خود در این عملیات تروریستی را به شدت تکذیب نمود. به دنبال این حوادث، زیسکاردستن طی مصاحبه‌ای اعلام داشت که فرانسه به سنت سیاسی خود که همانا پناه دادن به تبعیدیهای سیاسی است ادامه می دهد و هشدار داد که دولت وی به منظور جلوگیری از خشونت به اقدامات لازم دست خواهد زد. تلویزیون فرانسه مراسم تشییع جنازه پلیس فرانسوی را نشان داد که این کار در جریحه دار شدن احساسات عمومی فرانسویان بسیار مؤثر بود. ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور وقت ایران (که پس از مدت کوتاهی فرار کرد و به صف مخالفان پیوست) فرانسه را مرکز تعلیم خرابکاری برضد ایران معرفی نمود. اشغال سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام در تیره شدن روابط ایران با کشورهای اروپای غربی از جمله فرانسه تأثیر محسوسی داشت و نه کشور عضو جامعه اقتصادی اروپا تصمیم به اعمال مجازاتهای اقتصادی در مورد ایران گرفتند. دولت فرانسه نیز در ۲۱ ماه می ۱۹۸۰ دستور منع صدور کالا به استثنای مواد غذایی و داروئی به ایران را صادر کرد.<sup>۷</sup>

## علل و زمینه های اصلی تیرگی روابط

با یک نگرش کلی، علل و ریشه های تیرگی روابط دو کشور را در سه زمینه زیر می توان جستجو کرد:

الف - تجمع ضد انقلابیون و فراریان در فرانسه؛ ب - کمکهای نظامی فرانسه به عراق؛ ج - قضیه وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه.

الف - تجمع ضد انقلابیون و فراریان در فرانسه: بنی صدر پس از برکنار شدن از مقام ریاست جمهوری در ۸ تیر ماه ۱۳۶۰ (برابر ۱۳ ژوئن ۱۹۸۱ م.) در تهران ناپدید گردید و پس از ۴۶ روز در ۲۴ مرداد ۱۳۶۰، هواپیمای حامل وی و مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق در فرودگاه اورلی پاریس فرود آمد و دولت فرانسه به هر دو نفر پناهندگی سیاسی داد. پس از رسیدن خبر مزبور به تهران، دولت ایران بلافاصله اعلام داشت که دلایل قطعی مبنی بر مجرم بودن بنی صدر و رجوی در اختیار دارد و با استناد به قرارداد مجرمین خواستار تحویل آنان شد. ضمناً از سفیر فرانسه خواست در ظرف سه روز خاک ایران را ترک کند.

حتی پیش از پناهندگی بنی صدر و رجوی، گروهی از ارتشیان فراری که نام آزادگان بر خود نهاده بودند ناوجه ایرانی تبریز را از آبهای ساحلی اسپانیا ربودند و وزارت خارجه ایران یادداشت اعتراض آمیزی تسلیم فرانسه کرد و طی آن از اینکه فرانسه به این گونه

کلود شسون که از اواخر سال ۱۹۸۱ تا ژوئیه ۱۹۸۴ وزیر خارجه فرانسه بود پس از کناره‌گیری از مقام خود در مصاحبه با یکی از روزنامه‌های عربی زبان چاپ لندن گفت: «ما در اوایل سال ۱۹۸۰ سعی کردیم حوادث و رخدادها را در چارچوب گسترده‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. در واقع خطرناکترین پدیده در جنگ خلیج فارس این است که کشور بزرگی در منطقه مانند ایران که سیاست خود را بر اساس تعصبات دینی و سیاسی پی‌ریزی کرده قدرت یابد و چون گرایشهای سلطه‌طلبانه دارد با اولین مانع یعنی عراق برخورد نموده است. عراق سدی است که می‌تواند از گسترش طبیعی این موج به دیگر کشورها جلوگیری کند». شسون مدعی شد: «در این ارتباط نباید دو نکته را از نظر دور داشت، یکی آن که ایرانیها آداب و سنن تاریخی دارند که آنها را به سوی جهان سوق می‌دهد و نکته دیگر ریشه‌های طائفه‌ای است بطوری که این حرکت نفوذ خود را در سرزمینهای مقدس گسترش داده است و تنها هدف تعصب مذهبی، تسلط بر این سرزمینهاست، چنان که حتی به گفته شخص (امام) خمینی این هدف و رسالت آنهاست. شاه اردن اولین کسی بود که این تحلیل را چند سال قبل ارائه نمود و من آن را تأیید کردم.» وی در ادامه گفت: «از سوی دیگر فرانسه باید با استناد به علل تاریخی، سیاسی و اقتصادی، نوعی سیاست مشخص در قبال اعراب اتخاذ کند. من نمی‌توانم فرانسه‌ای را تصور کنم که سیاست مناسبی در قبال اعراب ندارد. ژنرال دوگل ضرورت این امر را دریافت و سیاست مطلوبی در چارچوب یک دیپلماسی جامع پی‌ریزی کرد. بر اساس سیاست فرانسه در قبال کشورهای عربی، پاریس نمی‌تواند نسبت به گسترش موج تعصب‌گرایی ایران بی‌توجه باشد و باید کشورهای عربی را در ساختن سدی در برابر این موج یاری دهد. موضع ما در قبال ایران موضع خصمانه‌ای نیست ولی تا زمانی که همسایگان و دوستانی برای اعراب به حساب می‌آئیم نمی‌توانیم از کمک به آنها در صورتی که نیاز به یاری ما داشته باشند دریغ بورزیم و از همین رو همچنان به حمایت از عراق ادامه خواهیم داد. در واقع آنچه آنان (اعراب) را به وحشت انداخته این است که انقلاب ایران تنها به تصرف دره بین‌النهرین اکتفاء نخواهد کرد و چنانچه ایران بر عراق پیروز شود و رژیم بعث سرنگون گردد، راه برای تسلط و نفوذ ایران بر تمام منطقه خلیج فارس باز خواهد شد.»<sup>۱۱</sup>

فرانسوا میتران در نوامبر ۱۹۸۲ در دیدار رسمی خود از مصر، ضمن یادآوری اهمیت جنگ ایران و عراق، به سیاست دیرینه کشورش دایر بر حفظ موازنه هزارساله بین جهان عرب و جهان فارس اشاره کرد و گفت: «ما مایل نیستیم عراق در این جنگ مغلوب گردد و موازنه نظامی میان جهان عرب و ایران باید حفظ شود.»<sup>۱۲</sup>

نکته دیگری که علت نزدیکی فرانسه به عراق را توضیح می‌دهد، تلاش فرانسه برای از بین بردن حساسیت کشورهای عربی در خصوص روابط فرانسه با اسرائیل بوده است. میتران در دهم ماه مه ۱۹۸۱ به ریاست جمهوری انتخاب شد. انتخاب یک رئیس‌جمهور

از سوی دیگر، هنگامی که عراق در سال ۱۹۷۲ نفت خود را ملی اعلام کرد، گذشته از مستثنی ساختن سهمیه فرانسه از این امر، فروش نفت به آن کشور را دو برابر ساخت. «ژاک شیراک» نخست‌وزیر وقت فرانسه در دوره ریاست جمهوری «ژرژ میمیدو» از صدام حسین به عنوان مردی یاد کرد که روابط عراق و فرانسه را بنیان نهاده است. در برخی از محافل این شایعه نیز وجود داشت که صدام برای پیروزی شیراک در انتخابات شهرداری پاریس به وی کمک مالی کرده است.

نزدیکی عراق به فرانسه را بدین نحوی توان تحلیل کرد که فرانسه با ارائه چهره‌ای مستقل از سیاست خارجی خود در زمینه مسائل بلوک غرب، می‌توانست به خوبی نقش واسطه را در نزدیک شدن عراق به غرب ایفا کند. از سوی دیگر، دولت عراق تمایل داشت ضمن حفظ روابط با شوروی (سابق)، از تکنولوژی و مزایای غرب نیز بی‌بهره نماند. واردات تجهیزات نظامی عراق از شوروی از ۹۵٪ در سال ۱۹۷۲ به ۶۳٪ در سال ۱۹۷۹ کاهش یافت و این در حالی بود که طی سالهای ۷۹-۱۹۷۸ واردات تجهیزات نظامی عراق از فرانسه بالغ بر ۲/۲ میلیارد دلار بود و در سالهای بعد نیز افزایش چشمگیری پیدا کرد. تهاجم گسترده ارتش عراق به ایران و آغاز جنگ تحمیلی، زمینه همکاری عراق و فرانسه را در زمینه تسلیحات افزایش داد. دقیقاً سه روز پس از آغاز تجاوز عراق به خاک ایران، طارق عزیز، معاون نخست‌وزیر وقت عراق از فرانسه دیدار کرد. وی تعهد کشورش در خصوص صدور نفت به فرانسه را مورد تأکید قرار داد و به ژسکار دستن قول داد که عراق از آزادی کشتی‌انی در تنگه هرمز جلوگیری نخواهد کرد.

با به قدرت رسیدن سوسیالیستها در فرانسه، زمینه همکاری رژیم عراق که تمایلات سوسیالیستی داشت با فرانسه افزایش یافت. دولت جدید سوسیالیست فرانسه حمله اسرائیل به راکتورهای اتمی عراق را محکوم کرد و میتران قول داد که فرانسه در عملیات بازسازی این راکتورها مشارکت خواهد کرد.

ژاک شیراک نخست‌وزیر وقت فرانسه طی مصاحبه‌ای با روزنامه الشرق الاوسط در خصوص قراردادهای تسلیحاتی با عراق گفت: «ما قرارداد کمک تسلیحاتی جدیدی با عراق امضاء کرده‌ایم و هیچ عاملی مانع از اجرای تعهدات ما در رابطه با فروش تسلیحات به عراق نخواهد شد و اصولاً با فروش تسلیحات به عراق مخالفتی نداریم.» شیراک افزود: «فرانسه با عراق پیوند دوستی مستحکمی دارد که در ایام زمامداری ژنرال دوگل پا گرفته است و من از زمانی که مسئولیت ریاست دولت را برای اولین بار در سال ۱۹۷۴ برعهده گرفتم سعی کردم دامنه این پیوند و رابطه را گسترش دهم و از آن سال این پیوند عمیقتر شد.... دولت عراق همواره به کمک و حمایت فرانسه تکیه می‌کند، زیرا ما نسبت به دوستانمان امین و وفادار هستیم. سیاست ما هرگز تغییر نمی‌کند؛ کلام آخر را گفته‌ایم و باز هم می‌گوئیم که هیچ کشوری نمی‌تواند در امور داخلی کشور بزرگی مانند فرانسه که به مسئولیتهای خود در قبال جهان واقف است دخالت نماید.»<sup>۱۳</sup>

معاملات دو کشور حول محور خرید جنگ افزار توسط عراق و فروش نفت به فرانسه دور می‌زد. عراق از ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۵ در حدود ۱۱/۸ میلیارد دلار جنگ افزار مدرن از فرانسه خرید و بخش مهمی از بهای آن به صورت فروش نفت خام به آن کشور پرداخت می‌شد. در ۹ فوریه ۱۹۸۲ گزارش شد که عراق تجهیزات توپخانه‌ای به ارزش ۶۶۰ میلیون دلار به فرانسه سفارش داده است.

نشریه المجله که از سوی رژیم سعودی در لندن چاپ می‌شود به استناد منابع آگاه فرانسوی در نوامبر ۱۹۸۱ نوشت اخیراً يك قرارداد خرید سلاح به مبلغ يك میلیارد دلار بین فرانسه و عراق امضاء شده است که به موجب آن فرانسه مقادیر زیادی توپ سنگین به عراق تحویل می‌دهد. روزنامه جمهوری اسلامی نیز در ۱۹ آذرماه ۱۳۶۰ نوشت که براساس قراردادی که ممکن است به زودی امضاء شود، فرانسه تجهیزات الکترونیکی به مبلغ ۸۰ میلیون دلار در اختیار عراق قرار خواهد داد.

از سوی دیگر، طبق قرارداد ژوئن ۱۹۸۰ میان بغداد و پاریس، عراق در حدود ۴۰ فروند هواپیمای میراژ و ۳۰ کشتی جنگی به ارزش ۷ میلیارد فرانک از فرانسه خریداری کرد و در برابر، متعهد شد ۲۵ میلیون تن نفت خام به فرانسه تحویل دهد.<sup>۱۵</sup>

شایان ذکر است که دولت ایران در ابتدای جنگ، قراردادی برای خرید سه ناوچه موشک‌انداز با فرانسه امضاء کرده بود، ولی به علت وضع مجازات‌های اقتصادی بوسیله بازار مشترک اروپا در مورد ایران، ناوچه‌های مزبور در بندر شربورگ فرانسه توقیف بودند. به دنبال تحویل ۴ فروند هواپیمای میراژ اف ۱ به عراق، کاردار سفارت ایران در پاریس طی يك کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که ایران ماههاست خواستار تحویل ناوچه‌های دریایی خود از فرانسه است و هم‌اکنون نیز گروگانهای آمریکایی آزاد شده‌اند و تحریم لغو گردیده است؛ بنابراین دولت فرانسه باید دست به کار شود.

سفارت ایران در پاریس نیز طی اعلامیه‌ای اقدام دولت فرانسه دایر بر حمایت از عراق را محکوم کرد. در این بیانیه آمده بود: «با تأسف اطلاع یافتیم که وزارت امور خارجه فرانسه تحویل شش هواپیمای میراژ را به عراق که دو هواپیمای دیگر آنها را همراهی می‌کرده تأیید کرده است. تصور این مطلب که فرانسه، کشوری که رهبران آن در هر فرصتی دم از احترام به آزادی، دموکراسی و دوستی با همه ملت‌ها می‌زنند، چنین سلاح‌های جنگی مهمی به يك کشور متجاوز و ستمگر چون عراق تحویل خواهد داد، مشکل است. ملت ایران هرگز این اقدام فرانسه را از یاد نخواهد برد.»<sup>۱۶</sup>

خبرگزاری کویت از پاریس طی گزارشی نوشت که ارزش سلاح‌های دریافتی رژیم بعث عراق از فرانسه در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ به ۴۱ میلیارد فرانک می‌رسد.... در پی بروز بحران مالی در عراق، عربستان سعودی موافقت کرده است که از جانب عراق به فرانسه نفت بفروشد. این گزارش می‌افزود: «پادشاهی سعودی و عراق بهترین مشتریان سلاح‌های فرانسوی هستند. در حال حاضر ۷۵٪

سوسیالیست که قادر به اتحاد با کمونیستها و مظلون به داشتن سیاست نزدیکی به اسرائیل بود، نگرانیهای عمده‌ای در جهان عرب به وجود آورده بود. در واقع سفرهای میتران به اسرائیل قبل از انتخاب شدن به ریاست جمهوری و اظهارات وی در مصاحبه با شورای نمایندگان مؤسسات یهودی در فرانسه مبنی بر اظهار امیدواری نسبت به دعوت از دولتمردان اسرائیل برای دیدار از فرانسه در اولین روزهای به قدرت رسیدن خود این اعتقاد را بیش از پیش تقویت کرده بود. میتران نخستین رئیس‌جمهور فرانسه بود که از اسرائیل دیدار کرد. این سفر پس از دوبار تعویق نهایتاً در مارس ۱۹۸۲ صورت گرفت.<sup>۱۳</sup> میتران پس از بازگشت از اسرائیل به محض ورود به الیزه، برادر خود ژاک میتران، رئیس و دبیرکل شرکت صنایع هوایی-فضایی را به عربستان سعودی و ژاک آندرانی، سفیر فرانسه در قاهره را به کشورهای مختلف در حوزه خلیج فارس گسیل داشت. سیاست همکاری فرانسه با عراق نیز در راستای تقویت سیاست دلجوئی از اعراب بود.

دولت عراق که نقشه‌های وسیعی برای تهاجم به ایران داشت، پیشاپیش به زمینه‌سازی دیپلماتیک نزد کشورهای اروپای غربی بویژه فرانسه پرداخته بود. در ژوئن ۱۹۸۰، یعنی دو ماه پیش از آغاز تهاجم ارتش عراق به ایران، سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق از پاریس دیدار کرد و دو دولت تشابه نظرات خود در خصوص مسائل خاورمیانه و توافق دو کشور را برای دور نگه داشتن منطقه خلیج فارس از درگیریهایی بین‌المللی اعلام کردند. با آغاز تجاوز نیروهای عراقی به خاک ایران، سفرهای سیاسی دولتمردان عراق به فرانسه بیشتر شد.<sup>۱۴</sup> در طول سه ماه اول جنگ، طارق عزیز دو بار به پاریس رفت و در جریان سفر دوم در ۵ نوامبر ۱۹۸۰ در مورد تحویل ۶۰ فروند جنگنده بمب افکن میراژ اف ۱ که به تعویق افتاده بود با رئیس‌جمهور فرانسه مذاکره کرد. متعاقب این دیدار در دوم فوریه ۱۹۸۱ عراق فاش ساخت که اولین محموله شامل ۴ فروند میراژ سفارش شده طی قرارداد ۱۹۷۷ را از فرانسه دریافت کرده است.

به دنبال بمباران تأسیسات هسته‌ای عراق بوسیله هواپیمای اسرائیلی، طارق عزیز در رأس يك گروه ۸ نفری به فرانسه سفر کرد. در جریان این دیدار طرفین تصمیم به ادامه همکاری در همه زمینه‌ها از جمله تکنولوژی هسته‌ای گرفتند. ضمناً موافقتنامه‌ای در مورد همکاری فرانسه در بازسازی تأسیسات هسته‌ای تخریب شده عراق که عربستان سعودی عهده‌دار تأمین مالی آن بود، به امضاء رسید. در ۲۱ فوریه ۱۹۸۲، کلود شسون از بغداد دیدن کرد و در جریان این دیدار تقاضاهای جدید تسلیحاتی عراق مطرح شد.

در اوایل سال ۱۹۸۳ طارق عزیز دو بار دیگر از پاریس دیدن کرد و طی مذاکراتی با میتران و سایر مقامات بلند پایه فرانسوی برای جلب رضایت فرانسه در خصوص تعویق بازپرداخت بدهیهای عراق، دادن اعتبارات جدید و نیز سفارش تسلیحات بیشتر به مذاکره پرداخت. در جریان این دیدار فاش شد که خریده‌های عراق ۴۰٪ کل فروشهای فرانسه طی سال ۱۹۸۲ را تشکیل می‌داده است. قسمت عمده

دقیقی از میزان بدهیهای عراق در دست نیست. «اکسپرس» و «لوموند» در سال ۱۹۸۳، رقم وامهای نظامی و غیرنظامی عراق را ۵۰ میلیارد فرانک برآورد کرده بودند، درحالی که روزنامه «دوپاری» مدعی بود که رقم مذکور کمتر از مبلغ واقعی است و میزان وامهای عراق به ۸۰ میلیارد فرانک می‌رسد. البته شایان ذکر است که عراق تا پیش آمدن وضع اضطراری در خلیج فارس همواره در پرداخت بدهیهای خود به فرانسه موفق بود، ولی کشیده شدن جنگ به خلیج فارس این امکان را از عراق سلب کرد.<sup>۲۱</sup>

فرستادگان رژیم عراق به فرانسه همواره سعی داشتند نظر موافق و اعتماد سازمان «وفاس» را جلب کنند. سازمان مزبور، شرکت تجارت خارجی فرانسه است که اقدام به ضمانت قراردادهای شرکتیهای فرانسوی می‌کند و در صورتی که کشور طرف قرارداد قادر به پرداخت بدهی خود نباشد، شرکت مزبور مجبور به پرداخت آن می‌شود. حمایت این سازمان، به قراردادهای منعقد شده میان شرکتیهای فرانسوی و دیگر کشورها اعتبار زیادی می‌دهد. عراق از سال ۱۹۸۲ برای پرداخت بدهیهای خود دچار مشکل شد. طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق در اردیبهشت ۱۳۶۲ به فرانسه سفر کرد تا در مورد تعویق پرداخت بدهی ۱۳ میلیارد فرانکی کشورش به فرانسه مذاکره نماید. وی در مصاحبه با روزنامه لوموند گفت: «عراق پیشنهاد کرده است که ۹۰٪ بدهیهای خود مربوط به سال ۱۹۸۳ را به صورت نفت خام پرداخت کند زیرا در غیر این صورت تنها قادر به پرداخت ۴۰٪ از بدهیهای خود در سال مزبور خواهد بود.» عراق در این دوره به کمکهای عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس متکی بود تا کماکان به نام عراق نفت در اختیار مشتریان غربی قرار دهند.<sup>۲۲</sup>

یادآور می‌شود که پرداخت بدهیها به صورت نفت، برای عراق مزایایی داشت: نخست، آن کشور بدون بازاریابیهای معمول و رقابت در زمینه فروش، مشتری نفت را حاضر داشت و چون تنها فروشنده بود، احیاناً می‌توانست در زمینه قیمت گذاری نفت مانور بدهد. دوم، با این سیاست می‌توانست در سطح وسیعی به کمکهای دولتهای عرب نفت خیز منطقه امیدوار باشد. این سیاست عراق همچنین باعث می‌شد که فرانسه خود را در تأمین امنیت نفتکشهای عراقی مسئول و سهیم بداند.

سرانجام دولت فرانسه در سال ۱۹۸۳ با خرید ۴ میلیون تن نفت خام از عراق به ازاء مطالبات خود موافقت کرد.<sup>۲۳</sup>

ج - مسدود کردن وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه: در چهارم اسفند ماه ۱۳۵۳ چهار سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، دو موافقتنامه و یک قرارداد در زمینه غنی کردن اورانیوم و پرداخت یک میلیارد دلار وام درازمدت از طرف ایران به کمیساریای انرژی اتمی، بین ایران و فرانسه به امضاء رسیده بود و فرانسه می‌بایست پنج راکتور هسته‌ای در اختیار ایران قرار دهد و دو کشور توافق کرده بودند که در زمینه تولید اورانیوم غنی شده برای راکتورهای مزبور شرکتی تأسیس کنند. بدین ترتیب ایران مالک سهام عمده‌ای در شرکت «اورودیف»

از سلاحهای فرانسوی به خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه کشورهای تولیدکننده نفت از جمله عربستان، عراق، مصر و سایر کشورهای خلیج فارس صادر می‌شود.» سلاحهای دریافتی عراق از سوسیالیستهای فرانسه، غیر از هواپیماهای میزاق، شامل موشکهای اگزوسه - هات - میلان، هلی کوپترهای سوپر فرسون الوت، گازل و تانکهای ام - ایکس و توپهای ۱۵۵ میلی‌متری خودکار بود. در اردیبهشت ۱۳۶۲ رژیم عراق سرگرم مذاکره برای خرید هواپیماهای جنگنده میزاق ۲۰۰۰ مجهز به موشکهای ضد رادار آرمات بود.<sup>۲۴</sup>

در اوایل سال ۱۹۸۳، طارق عزیز تقاضای خرید پنج فروند هواپیمای سوپر اتاندار مجهز به موشکهای اگزوسه را تسلیم پاریس نمود. این بار هدف عراق حمله به تأسیسات نفتی ایران در حوزه خلیج فارس به ویژه جزیره خارک بود. در همین رابطه دولت فرانسه اجازه داد که خلبانان عراقی بطور محرمانه در یک پایگاه هوایی فرانسه در حوالی شهر «پرست» آموزش ببینند.<sup>۲۵</sup> این اقدام دولت فرانسه باعث واکنش جدی تهران شد. رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع اعلام کرد که در صورت به خطر افتادن صادرات نفتی ایران، به هیچ وجه نفتی از خلیج فارس به غرب نخواهد رسید. نیروی دریایی ایران چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ فنی قادر خواهد بود با غرق کردن چند کشتی نفت کش یا بوسیله صدها مین تنگه هرمز را ببندد. مسلماً مسئول چنین مشکل بین‌المللی (در صورت وقوع) نه تنها عراق بلکه فرانسه نیز خواهد بود. طبق برداشت ایران و همان‌طور که نماینده ایران در ... ازمان ملل تشریح کرده، مشارکت هواپیماهای فرانسوی در جنگ این معنی را می‌دهد که فرانسه در مناقشه به طور مستقیم شرکت دارد.<sup>۲۶</sup>

در سال ۱۹۸۵ عراق بار دیگر خواستار دریافت ۲۴ فروند جنگنده میزاق از دولت فرانسه شد. سفیر عراق در فرانسه ژاک شیراک نخست‌وزیر وقت فرانسه را تحت فشار گذاشته بود. نهایتاً در سال ۱۹۸۷ فرانسه ۱۲ فروند دیگر هواپیمای جنگنده میزاق از ۶ به عراق تحویل داد. میتران در مصاحبه تلویزیونی در پاسخ به این سؤال که آیا فرانسه با ارسال تجهیزات جنگی به عراق به طور غیرمستقیم در جنگ شرکت نمی‌کند، گفت: «دولت کنونی فرانسه قراردادهای صدور اسلحه را از دولت پیشین به ارث برده است و من با ادامه آن قراردادهای امضای قراردادهای جدید در همان روال موافقت کردم زیرا در صورتی که در جبهه کشورهای عربی شکاف بیفتد، بنیادگرایی اسلامی در تمامی کشورهای مدیترانه و شاید تا ساحل اقیانوس اطلس گسترش یابد.»<sup>۲۷</sup> موضوع دیگری که روشنگر علل حمایت فرانسه از رژیم عراق است، بدهیهای سرسام‌آور این رژیم به فرانسه می‌باشد. پاریس به خوبی می‌دانست که در صورت پیروزی ایران در جنگ و سقوط رژیم حاکم بر عراق، دولت جدید نسبت به پرداخت بدهیهای هنگفت دولت قبلی وفادار نخواهد بود. تقویت رژیم عراق در جنگ با ایران باعث می‌شد که دولت صدام بر مصدر قدرت باقی بماند و طبیعتاً به تدریج بدهیهای خود را با توجه به نرخ بهره آن پرداخت کند. متأسفانه آمار

(سازمان غنی کردن اورانیوم در اروپا) می‌شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از قراردادهای رژیم شاه به علت عدم نیاز ایران، باطل اعلام شد. شرکت «اورودیف» که روی قرارداد با ایران حساب زیادی باز کرده بود به سرعت نزد دادگاه‌های فرانسه شکایت کرد و توانست حکم توقیف سهام ایران و توقیف مبلغ یک میلیارد دلار را بگیرد.

سرپرست وقت وزارت امور اقتصاد و دارایی در بهمن ۱۳۵۸ اعلام کرد که قرارداد اتمی مزبور به علت عدم نیاز فسخ شده است لیکن شرکت اورودیف به این بهانه وام یک میلیارد دلاری ایران به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه را نیز توقیف کرده است و بدین ترتیب مانع پرداخت اصل و فرع بدهیها می‌شود.<sup>۲۴</sup> انسداد اموال ایران تا اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ ادامه داشت و نهایتاً در پی اعتراض وکلای ایرانی به رأی دادگاه تجارت پاریس، سرانجام دادگاه استیناف چنین رأی داد که یک شرکت نمی‌تواند از یک دولت شکایت و اموال آن را توقیف کند و بدین ترتیب مبلغ یک میلیارد دلاری که به عنوان غرامت بلوکه شده بود از حساب شرکت مزبور آزاد شد. البته آزاد شدن مبلغ یادشده بدین معنی نبود که به سرعت وام مزبور به حساب ایران واریز شود.<sup>۲۵</sup> پرداخت وام یک میلیارد دلاری از جمله موضوعاتی بود که همواره در مذاکرات نمایندگان دو کشور مطرح می‌شد. روند پیشرفت در این مذاکرات را ضمن مباحث بعدی بررسی می‌کنیم.

### روند بهبود روابط: حرکتی تدریجی و پرنوسان

از سال ۱۹۸۳ فرانسه به تدریج در مورد بهبود روابط خود با ایران احساس نیاز کرد. نخستین عاملی که فرانسه را به ترمیم مناسبات خود با ایران تشویق می‌کرد، استفاده از بازار ایران بود. سایر کشورهای غربی به تدریج پنهان یا آشکارا، مشکلات خود را با ایران حل کرده بودند و حداقل از بعد اقتصادی در حال برنامه‌ریزی برای معاملات تجاری وسیع با ایران بودند. تجارت ایران با کشورهای چون آلمان، ژاپن و تا حدی انگلستان به سرعت در حال افزایش بود. دولت فرانسه نیز احتمال می‌داد که پس از پایان جنگ، مسئله بازسازی خرابیها، امکانات گسترده‌ای برای شرکتها و صنایع غربی از جمله فرانسوی از جهت سرمایه‌گذاری مستقیم یا غیرمستقیم در ایران ایجاد کند.

از بعد سیاسی و استراتژیک نیز بهبود روابط با ایران به نفع فرانسه بود. دستگاههای اطلاعاتی فرانسه نهایتاً متقاعد شدند که ادعاهای گروهکهای ضدانقلاب متمرکز در فرانسه مبنی بر سقوط رژیم ایران در آینده نزدیک بی‌پایه است و جمهوری اسلامی از ثبات سیاسی بالایی برخوردار است. از سوی دیگر، حوزه فعالیت سیاسی ایران در شرایط جدید به سایر نقاط استراتژیک خاورمیانه مانند لبنان کشیده شده بود و نیروهای طرفدار ایران می‌توانستند به هر ترتیب برای منافع کشورهای غربی از جمله فرانسه خطرناک یا حسب مورد مفید افتند (نمود این قضیه را در مسئله گروگانها مورد بحث قرار خواهیم داد). از طرف دیگر، فرانسه از اهمیت استراتژیک تنگه هرمز و توانایی ایران برای به خطر

انداختن کشتیرانی در خلیج فارس آگاه بود و از همین رو سیاست جدید و زیرکانه‌ای در قبال ایران اتخاذ کرد. این سیاست مبتنی بر دیپلماسی اعطای امتیازات محدود و تدریجی بود که در عرف و زبان دیپلماتیک به دیپلماسی مماشات معروف است. این شیوه در شرایطی به کار می‌رود که نسبت به تغییر و واکنشهای سریع و ناگهانی طرف مقابل اطمینان کامل وجود ندارد و لذا سعی می‌شود روند بهبود مناسبات به صورت تدریجی و با اعطای امتیازات محدود انجام پذیرد. شایان ذکر است که شیوه مزبور از مزایای ذیل برخوردار است: نخست اینکه در صورت بروز تغییر سریع در مواضع طرف مقابل، میزان امتیازات داده شده با توجه به فرآیند تدریجی بودن آن، محدود است. دوم اینکه همواره نمای روند بهبود مناسبات حفظ خواهد شد و در نتیجه امکان محاسبه و برنامه‌ریزی برای شرایط احتمالی آینده وجود خواهد داشت. در این رابطه به علت باز بودن باب مذاکره، از واکنشهای تهاجمی و خشن طرف مقابل جلوگیری می‌شود. سوم اینکه در فرآیند بهبود تدریجی روابط می‌توان حداقل امتیازات را داد و حداکثر امتیازات را به دست آورد. سیاست جدید فرانسه زیرکانه تنظیم شده بود، بدین معنی که فرانسه سعی نمود ضمن حفظ روابط عالی با عراق و اسرائیل، همزمان با ایران نیز رابطه برقرار کند و از مزایای روابط با تمامی جناحها برخوردار گردد.

قضیه دیگری که باعث می‌شد فرانسه به بهبود روابط با ایران بیندیشد، مسئله گروگانهای فرانسوی در لبنان بود. تقریباً از سال ۱۳۶۴ قضیه گروگانها به تدریج مطرح شد. افکار عمومی فرانسه که نسبت به این گونه مسائل بسیار حساس است، به دولت فشار می‌آورد که به هر ترتیب قضیه را حل کند. البته باید متذکر شد که نزدیکی فرانسه به ایران در خصوص قضیه گروگانها همواره موضوع اختلافات جناحی در فرانسه بوده است. در سال ۱۳۶۴ یک هیئت پارلمانی فرانسه به ایران سفر کرد و مطبوعات فرانسه عمدتاً سعی داشتند هدف سفر هیئت مزبور را با موضوع گروگانها ربط دهند.<sup>۲۶</sup> در پایان سفر این هیئت، سخنگوی آن اعلام کرد که کشورش به سوی یک بی‌طرفی مثبت در جنگ پیش می‌رود. وی اعتراف کرد که ایران مورد تجاوز قرار گرفته است و همچنین قول داد کسانی که در ایران مرتکب جنایت شده‌اند، حق استفاده از پناهندگی نیابند.<sup>۲۷</sup>

پس از روی کار آمدن ژاک شیراک به عنوان نخست‌وزیر، وی در اولین سخنرانی خود در مجمع ملی فرانسه از ایران به عنوان یک کشور بزرگ یاد کرد و اظهار امیدواری نمود که با کشور بزرگی که فرانسه دارای هیچگونه خصومتی با آن نیست وارد مذاکره شود. به دنبال این اظهارات، دو دیپلمات فرانسوی مأموریت یافتند اختلافات مربوط به بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری را که ایران به اورودیف داده بود مورد بررسی قرار دهند. ظاهراً آنها همچنین موظف بودند پیامهای دولتمردان فرانسوی چون میتران و شیراک را تسلیم مقامات ایرانی نمایند.<sup>۲۸</sup>

از سوی دولت ایران نیز به تدریج شیوه‌های جدیدی در سیاست خارجی مورد آزمایش قرار گرفت. نخستین تغییر عمده در سیاست خارجی ایران، جدا کردن حساب آمریکا از کشورهای اروپای غربی

با ایران، بخشی از درخواستهای ایران را اجراء کند و در مقابل انتظار دارد که ایران در قضیه گروگانهای فرانسوی و آزادسازی آنها وساطت نماید. تهدید دولت فرانسه این بود که در صورت عدم همکاری ایران، سیاست خود در تجهیز کردن عراق را تشدید خواهد کرد.

با مذاکراتی که به عمل آمد، ایران از نفوذ معنوی خود نزد گروههای لبنانی استفاده کرد و در نتیجه دو گروگان فرانسوی «فیلیپ ورشو» و «ژرژ هاس» دو خبرنگار شبکه دو تلویزیون فرانسه آزاد شدند و روز ۲۲ ژوئن ۱۹۸۶ به پاریس بازگشتند و مورد استقبال شیراک قرار گرفتند. در پی آزاد شدن این دو، شیراک از جمهوری اسلامی ایران تشکر کرد. البته شایان ذکر است که ایران برای بهبود مناسبات شرایطی قائل شده بود از جمله تلاش برای حل اختلافات مالی و محدود شدن کمکهای نظامی فرانسه به عراق. اولین اقدام دولت فرانسه ابلاغ دستور ترك خاك فرانسه به مسعود رجوی بود. البته ظاهراً مستولان سازمان مجاهدین (منافقین) از پیش، برای رفتن به عراق برنامه‌هایی تنظیم کرده بودند. «شارل پاسکوا» وزیر کشور وقت فرانسه در مورد اخراج گروه مجاهدین خلق ابراز داشت که اعضای این سازمان از فرانسه به عنوان پایگاهی برای فعالیتهای آشوبگرانه استفاده کرده‌اند و به هشدار رسمی مقامات فرانسوی مبنی بر ضرورت حفظ بی طرفی مطلق سیاسی توجه ننموده‌اند.<sup>۳۱</sup> رجوی شخصاً با این اقدام دولت فرانسه مخالفتی نکرد، ولی هواداران این گروه دست به تبلیغات شدیدی بویژه در پاریس زدند.<sup>۳۲</sup> وزارت کشور فرانسه نهایتاً دستور دستگیری ۷۰ تن از اعضای این سازمان را صادر کرد که پس از دستگیری به گابن فرستاده شدند.<sup>۳۳</sup> گفتنی است در سفری که معاون نخست وزیر وقت در ۱۳۶۵

به پاریس داشت مدارکی مبتنی بر مجرم بودن رجوی تسلیم مقامات قضائی فرانسه شد. این مقام ایرانی اعلام داشت که ما به اصل پناهندگی احترام می‌گذاریم، ولی ضد انقلابیون ایرانی به رهبری مسعود رجوی به هیچ وجه ویژگی‌های پناهنده سیاسی را ندارند.

نکته دیگری که توجه فرانسه را در قضیه گروگانها به ایران جلب کرد، مصاحبه حسین موسوی رهبر جنبش امل اسلامی بود. وی در مصاحبه‌ای با خبرنگاری فرانسه اعلام کرد که حل مشکل گروگانها از طریق مذاکره میان طرفهای ذینفع امکان پذیر است. وی تصریح کرد که طرفهای ذینفع عبارتند از ایران، بدون آنکه نقشی در گروگانگیری داشته باشد ولی می‌تواند بر گروههای گروگانگیر نفوذ داشته باشد، و کشورهایی چون فرانسه و ایالات متحده که اتباع آنها به گروگان گرفته شده‌اند.<sup>۳۴</sup>

مذاکرات در خصوص بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری میان دو کشور دوباره از سر گرفته شد و این خبر در محافل مختلف به گوش رسید که فرانسه حاضر است مبلغ مزبور را به ایران بازگرداند ولی مقامات فرانسوی نمی‌توانند مبلغ مذکور را یکباره پرداخت نمایند و پیشنهاد می‌کنند که مقداری از آن به صورت امضای قراردادهای اقتصادی و بازرگانی با جمهوری اسلامی و مابقی به تناوب پرداخت شود.<sup>۳۵</sup> یک هیئت ۸ نفره اقتصادی و مالی فرانسه به سرپرستی «ژاک مارتن»

بود. ایران کوشید ضمن دور ماندن از آمریکا، روابط خود با کشورهای اروپای غربی را بر اساس تفاهم و منافع متقابل توسعه دهد. تا گذشته از امکانات و تکنولوژی غرب، از حمایت کشورهای اروپائی در شورای امنیت برخوردار شود. ایران می‌خواست با نزدیک شدن به فرانسه، در شورای امنیت سازمان ملل، غیر از چین از حمایت یا دست کم بیطرفی فرانسه نیز بهره‌مند گردد.

سیاست ایران در کمک کردن به آزادسازی گروگانهای فرانسوی از جمله عواملی بود که در بهبود مناسبات دو کشور تأثیر جدی داشت نخستین گروگانهای فرانسوی دو دیپلمات بودند که در ۲۲ مارس ۱۹۸۵ در بیروت غربی به فاصله چند ساعت ربوده شده بودند و سازمان جهاد اسلامی بی‌درنگ مسئولیت ربودن آنها را به عهده گرفته بود. دو ماه بعد یعنی در ۲۲ مه ۱۹۸۵ «ژان پل کوفمن» و «میشل سورا» در جاده فرودگاه بیروت ربوده شدند. دو گروگان مزبور نیز ظاهراً توسط شیعیان طرفدار ایران که به سازمان جهاد اسلامی موسوم بودند ربوده شده بودند. از جمله خواستهای این گروه آزاد شدن انیس نقاش از زندان فرانسه بود. دولت فرانسه در پایان سال ۱۹۸۵ ضمن مذاکراتی با تهران، دمشق و بیروت اقداماتی برای آزادسازی گروگانهای مزبور انجام داد. ظاهراً قرار بود چهار فرانسوی یادشده در قبال آزادی انیس نقاش که به دلایل پزشکی صورت می‌گرفت آزاد شوند و حتی تاریخ مبادله ۵ ژانویه ۱۹۸۶ تعیین شده بود. اما برنامه فوق عملی نگردید. احتمالاً شایعه قتل «میشل سورا» که به علت تحویل دو نفر عراقی از سوی فرانسه به رژیم عراق صورت گرفته بود، روند مبادله را متوقف ساخت.

در ۸ مارس ۱۹۸۶ نیز چهار فرانسوی<sup>۳۶</sup> دیگر که عضو یک گروه تلویزیونی و سرگرم تهیه گزارش برای کانال دو تلویزیون فرانسه در مورد اجتماعی از حزب... در بیروت غربی بودند ربوده شدند.<sup>۳۷</sup> این اقدام در واقع واکنش گروههای لبنانی در قبال تحویل دو عراقی یادشده از سوی فرانسه به عراق بود. روز ۹ مارس ۱۹۸۶، «لوران فابیوس» با قطع برنامه اخبار شب تلویزیون کانال دولتی مؤکداً اظهار داشت که هرگز تسلیم باج خواهی تروریستها نخواهد شد. در تاریخ ۷ ماه مه ۱۹۸۶ نیز یک فرانسوی دیگر به نام «کامیل سونتاک» در بیروت غربی ربوده شد. فرانسه امکان این را نداشت که بطور مستقیم با خود سازمانهای گروگانگیر وارد مذاکره شود زیرا چنین سیاستی ضمن اینکه باعث تشویق این نوع عملیات توسط سایر گروهها می‌شد، هزینه هنگفتی برای فرانسه در برداشت. از سوی دیگر، هیچگونه تضمینی برای عدم تکرار این گونه حوادث در دست نبود. لذا فرانسه سعی کرد از طریق دولتهای واسطه با گروههای گروگانگیر وارد مذاکره شود. دولت شیراک از ۲۲ آوریل ۱۹۸۶ مذاکراتی را با دولت ایران آغاز کرد. فرانسه در این قضیه سیاست نوید و تهدید را در قبال ایران پیشه ساخت. اندکی پس از مأموریت «آندره روس» قائم مقام وزارت خارجه فرانسه و «مارک بنفوس» سرپرست اداره آفریقای شمالی و خاورمیانه در ایران، معلوم شد که فرانسه از یک طرف حاضر است به تدریج در جهت بهبود مناسبات خود



نماینده ویژه دولت فرانسه در دیماه ۱۳۶۴ به تهران سفر کرد و مذاکراتی درخصوص بازپرداخت بدهی مزبور به عمل آورد. دور بعدی مذاکرات بین هیئتهای اقتصادی و مالی دو کشور با سفر هیئت مالی جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۱۳۶۴ به فرانسه دنبال شد. دنباله این رشته مذاکرات با سفر یک هیئت بلندپایه از فرانسه به ریاست «آندره روس» قائم مقام وزیر خارجه فرانسه به تهران در ۲۰ فروردین ۱۳۶۵ صورت پذیرفت. اعضای هیئت مزبور به طور جداگانه با معاونان وزیر امور خارجه ایران و نیز معاون نخست وزیر و رئیس سازمان انرژی اتمی دیدار و گفتگو کردند.

به دنبال این مذاکرات، دو دوره گفتگوهای دیگر نیز به ترتیب در ۱۴ خرداد و ۷ تیرماه ۱۳۶۵ در تهران و فرانسه برگزار شد. دور اول گفتگوها با سفر هیئت ۱۰ نفری فرانسه به ریاست مدیرکل خزانه داری آن کشور به ایران و دور دوم با سفر یک هیئت اقتصادی بلندپایه ایرانی متشکل از کارشناسان امور مالی وزارت اقتصاد و دارایی به فرانسه صورت گرفت. ۳۶ در آبان ماه ۱۳۶۵ نیز معاون وقت وزیر اقتصاد و دارایی در رأس یک هیئت پنج نفره متشکل از مقامات وزارت امور خارجه، بانک مرکزی و سازمان انرژی اتمی برای مذاکراتی فشرده راهی فرانسه شد. قبلاً وزیر امور خارجه نیز در حاشیه اجلاس سازمان ملل در ۶ مهر ماه ۱۳۶۵ با «ژان برنارد ریمون» وزیر خارجه وقت فرانسه مذاکرات فشرده ای به عمل آورده بود. نهایتاً به دنبال سفر یک هیئت ایرانی به فرانسه، سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس اعلام کرد که توافقنامه جدیدی در رابطه با حل اختلاف مالی ایران و فرانسه امضاء شده است. این توافقنامه پس از ۶ دور مذاکرات فشرده و متناوب حاصل شد. سرپرستی هیئت فرانسوی را «کلود تریشه» مدیرکل وزارت اقتصاد و دارایی فرانسه و سرپرستی هیئت ایرانی را مهدی نواب معاون وزیر اقتصاد و دارایی به عهده داشتند.<sup>۳۷</sup>

به دنبال آن، وزارت خارجه فرانسه اعلام کرد که دو کشور قراردادی در مورد بخشی از اختلافات مالی خود امضاء کرده اند. این قرارداد در مورد مبلغ ۳۳۰ میلیون دلار امضاء شده بود و اولین مرحله از حل جدی اختلافات مالی دو کشور بود.<sup>۳۸</sup> ایران تلاشهای خود را برای دریافت باقیمانده بدهی فرانسه دنبال کرد. در تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۶۵ هیئتی از ایران به سرپرستی رئیس سازمان انرژی اتمی عازم پاریس شد تا در مورد تعهدات متقابل دو کشور و عضویت مستقیم ایران در شرکت اورودیف مذاکراتی به عمل آورد.<sup>۳۹</sup>

## جنگ سفارتخانه ها و قطع کامل روابط

در شرایطی که مناسبات دو کشور رو به بهبود بود، ناگهان ماجرای بمب گذاری در خیابانهای پاریس این روند را کاملاً متوقف ساخت. در فاصله روزهای ششم تا هفدهم سپتامبر ۱۹۸۶ بمبهایی در چند نقطه پاریس منفجر شد و در نتیجه ۹ نفر کشته و ۱۵۰ نفر مجروح شدند. دولت فرانسه ابتدا بر این باور بود که بمب گذاریها کار اعضای گروه

عبدا... از مسیحیان مارونی لبنان است که در صدد بودند با توسل به اقدامات تروریستی، رهبر خویش را از زندان برهانند. نامبرده متهم به قتل وابسته نظامی آمریکا و یک مقام اسرائیلی در پاریس بود.

سه جوخه ویژه مبارزه با تروریسم مامور پیگیری ماجرا شدند. پس از اندک زمانی، پلیس فرانسه مدعی شد که این اقدامات از مقر گروهی از افراطیون مسلمان که خود را حزب... می نامند سرچشمه می گیرد. ظاهراً مأموران فرانسوی توانسته بودند در گروه مزبور نفوذ کنند و تعدادی از بمبهای مخفی شده در «فوتن بلو» را کشف و طرحهای بمب گذاری آتی آنها را عقیم نمایند. در کنار این عملیات، پلیس فرانسه ۵۷ نفر را بازداشت و ۲۷ تن را اخراج کرد. مسلم فاخر که از جمله اخراج شدگان بود، فعالیت تبلیغاتی خود برای برگزاری روز قدس را علت واقعی اخراج خویش از فرانسه اعلام کرد. شایان ذکر است که قبل از جریان بمب گذاریهای پاریس، گروهی تحت عنوان کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه در ۲۵ مه ۱۹۸۶ با ارسال نامه تهدیدآمیزی به خبرگزاری رویتر در پاریس اعلام کرده بود که چنانچه «ژرژ ابراهیم عبدا...» یکی از رهبران فراکسیون لبنانی، «آروچیان کاری چیان» از اعضای ارتش آزادیبخش ارمنستان (آسلا) و «انیس نقاش» آزاد نگردند، فرانسه با تابستان داغی مواجه خواهد بود. اما ظاهراً پلیس فرانسه سر نخ حوادث را صرفاً در گروههای اسلامی جستجو می کرد.

در همین حول و حوش به طور غیرمترقبه، پلیس فرانسه تقاضای بازپرسی از وحید گرجی کارمند سفارت ایران را مطرح ساخت، در حالی که سفارت جمهوری اسلامی ایران از قبل هرگونه دخالت ایران در قضایای بمب گذاری پاریس را تکذیب کرده بود. در محافل مطبوعاتی شدیداً شایع کرده بودند که محمد مهاجر، فرانسوی لبنانی الاصل دستورها را از او دریافت می کرده است. محمد مهاجر به اتهام فعالیتهای تروریستی دستگیر شده بود. پلیس فرانسه از صبح ۲۹ ژوئن ۱۹۸۷ (برابر دوشنبه ۸ تیرماه ۱۳۶۶) با استقرار در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس هويت تمامی افراد اعم از دیپلمات، کارمند رسمی و ارباب رجوع که قصد ورود یا خروج از سفارتخانه را داشتند کنترل نمود.<sup>۴۰</sup> از طرف دیگر فرانسه به اتباع خود در ایران توصیه کرد به سرعت خاک ایران را ترک گویند. وزارت خارجه فرانسه یادآور شد تنها آن دسته که حضورشان کاملاً ضروری است می توانند در ایران بمانند.<sup>۴۱</sup>

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در مصاحبه ای اقدام پلیس فرانسه دایر بر محاصره سفارت ایران را نقض آشکار عرف دیپلماتیک و قوانین بین المللی خواند و متذکر شد که دولت ایران مسئولیت عواقب خطیر این اقدامات را برعهده فرانسه می داند و بی تردید برای دفاع از منافع کشور و اتباع خود قاطعانه برخورد خواهد کرد. مأموران فرانسوی با مراجعه به منزل گرجی و شکستن در ورودی، همسر و فرزند خردسال وی را بازداشت کردند و برای بازجویی به اداره پلیس بردند. سخنگوی وزارت خارجه ایران این اقدام پلیس فرانسه را شدیداً محکوم کرد و

اسلامی ایران در پاریس، روز شنبه بیستم تیرماه ۱۳۶۶ در حالی که از ژنو عازم پاریس بود در قسمتی از فرودگاه ژنو که جزء خاک فرانسه محسوب می شود مورد ضرب و شتم پلیس فرانسه قرار گرفت و اسناد همراه وی نیز مفقود یا روبرو شد. شدت ضرب و شتم به حدی بود که گروه درمانی فرودگاه ژنو وی را در حالی که از ناحیه سر مصدوم شده و به حال اغماز و تشنج روی زمین افتاده بود، پیدا کردند. وزارت امور خارجه ایران ضمن اعتراض شدید به این اقدام، کاردار فرانسه در تهران را احضار کرد و اعتراض رسمی ایران به دولت فرانسه را تسلیم وی نمود. طی این اعتراض، وزارت امور خارجه ایران از دولت فرانسه رسماً توضیح خواسته بود تا بر اساس پاسخ دولت فرانسه واکنش مقتضی نشان داده شود.

روز ۲۲ تیرماه ۱۳۶۶ يك كشتی فرانسوی در خلیج فارس توسط ناوچه های ایرانی مورد حمله قرار گرفت. دولت فرانسه نیز در خصوص این قضیه از دولت ایران توضیح رسمی خواست. کاردار فرانسه در تهران دستور داشت به نمایندگی از کشورش از دولت ایران پیرامون حمله به کشتی فرانسوی بر ویل دانور توضیح بخواهد. سرانجام در ۲۵ تیرماه وزارت امور خارجه ایران طی بیانیه شدیدالحنی به دولت فرانسه هشدار داد که چنانچه در عرض ۷۲ ساعت موانع و تضییقات موجود در برابر سفارت ایران در پاریس برطرف نشود و عاملان ضرب و شتم دیپلمات ایرانی و سرقت اسناد وی تنبیه نگردند ایران روابط خود را با فرانسه قطع خواهد کرد. وزارت امور خارجه ایران همچنین تعداد اعضای سفارت خود در پاریس را به حداقل رساند. درست ۲۴ ساعت بعد، در ۲۶ تیرماه ۱۳۶۶ وزارت خارجه فرانسه بیانیه ای مبنی بر اعلام قطع مناسبات دیپلماتیک با ایران منتشر ساخت.<sup>۲۵</sup>

علیرغم قطع روابط، دولت فرانسه هنوز تأکید داشت که وحید گرجی موظف است به سئوالات بازپرس پاسخ دهد. ایران نیز متقابلاً اعلام داشت که پل توری کنسول فرانسه در تهران محاکمه خواهد شد. ده روز پس از قطع روابط در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۷ با توجه به این که فرانسویان مقیم ایران برای خروج از کشور عجله داشتند و بعضاً با موانعی روبرو می شدند، دولت فرانسه اقدام به بسیج يك نیروی هوایی- دریایی برای اعزام به خلیج فارس و حوزه خاورمیانه کرد. سخنگوی وزارت خارجه فرانسه نیز در این رابطه گفت که دولت به ستاد نیروی دریایی دستور داده تا گروه هوادریایی تولون مستقر در مدیترانه شامل ناو هواپیمابر کلمانسو را به نحوی آماده کند که بتواند ظرف ۲۴ ساعت عازم خاورمیانه و خلیج فارس شود. وی افزود این بسیج، اقدامی احتیاطی به دلیل وضعیت بین المللی حاکم در خاورمیانه و بویژه در لبنان است.<sup>۲۶</sup> در دوره قطع روابط، سفارت ایتالیا در تهران حافظ منافع فرانسه و سفارت پاکستان در پاریس حافظ منافع ایران بودند.

### روند بهبود مناسبات

به دنبال جنگ سفارتخانه ها، هر دو کشور بویژه فرانسه احساس

اظهار داشت حمله به منزل وحید گرجی و شکستن در ورودی محل سکونت وی برخلاف نص صریح بند ۱ ماده ۳۰ کنوانسیون وین است و دستگیری همسر و کودک خردسالش نیز باتوجه به ماده ۱۹ این کنوانسیون، نشانگر اقدامات خلاف پلیس فرانسه و عدم احترام به کنوانسیون وین و رعایت مواد آن می باشد.<sup>۲۲</sup>

ظهور ناگهانی وحید گرجی در يك مصاحبه مطبوعاتی در محل سفارت ایران در ۱۱ تیرماه ۱۳۶۶، بظنمان را تشدید کرد و بدین ترتیب پلیس فرانسه برای بازداشت وی بر شدت اقدامات خود در مقابل سفارت افزود. کاردار ایران در پاریس در مصاحبه خود، گذرنامه آقای گرجی را نشان داد و اظهار داشت که وی دارای ویزای خدمت از سوی وزارت خارجه فرانسه بوده و این ویزا تا ژانویه ۱۹۸۸ معتبر است؛ همچنین یادآور شد که آقای گرجی از اعضاء فعال سفارت ایران است و تاکنون تلاشهای فراوانی در روند عادی سازی روابط دو کشور انجام داده است.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در مصاحبه ای اعلام کرد چنانچه به محاصره سفارت ایران خاتمه داده نشود، جمهوری اسلامی حق مقابله به مثل را برای خود محفوظ می داند. از سوی دیگر وزارت امور خارجه ایران با احضار آقای «پیرلافرانس» کاردار فرانسه، احضاریه «ژان پل توری» کنسول فرانسه به دادسرای انقلاب اسلامی در اوین را به وی تسلیم کرد.<sup>۲۳</sup>

فرانسوامیران طی سخنانی که به مناسبت عید ملی فرانسه ایراد کرد گفت فرانسه دشمن ایران نیست اما در برابر تهدیدات، فشارها و باج خواهی تسلیم نخواهد شد. وی بر ضرورت حضور گرجی در نزد قاضی بازپرس فرانسوی تأکید کرد. ژاک شیراک نیز در مصاحبه با روزنامه لوموند نظرش را چنین اعلام کرد: «دادگستری فرانسه مایل است از شخصی که دارای هیچ گونه مصونیت دیپلماتیک نیست و در حال حاضر در سفارت ایران به سر می برد بازجویی کند. این شخص حتماً باید مورد بازجویی قاضی قرار گیرد و در حوزه صلاحیت قاضی است که در کمال آزادی و بی غرضی از این بازجویی نتیجه گیری کند و ایرانیان باید این نکته را به خوبی درک کنند. حضور پلیس در اطراف سفارت ایران در پاریس به همین منظور و در نتیجه موجه است. اگر آقای گرجی همچنان از خروج از سفارت خودداری کند چنین رفتاری پیامدهای بسیار جدی برای روند عادی سازی روابط خواهد داشت.... امکانات گوناگونی برای ما وجود دارد؛ حتی می توانیم روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کنیم. همه چیز بستگی به رفتار ایران دارد». شیراک در پایان افزود که میتران نیز در این قضیه با او هم عقیده است.

جمهوری اسلامی دست به مقابله به مثل زد و ماموران شهربانی در برابر سفارت فرانسه مستقر شدند و مدارک شناسایی کلیه کسانی را که به سفارت فرانسه در تهران وارد یا از آن خارج می شدند مورد بازدید قرار دادند. در همین گیرودار، ماجرای مضروب شدن دیپلمات ایرانی در فرودگاه ژنو توسط پلیس گمرک فرانسه، بحران را با بن بست حتمی روبرو ساخت. آقای محسن امین زاده، دیپلمات سفارت جمهوری

نقاش توجه شود. در همان ایام، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه اعلام کرد که فرانسوامیتران از هیئت وزیران خواسته است موضوع از سرگیری مناسبات دیپلماتیک بین ایران و فرانسه را مورد مطالعه قرار دهند و یک جدول زمانی برای این امر تعیین کنند.<sup>۲۷</sup>

تجدید روابط می‌بایست از طریق انتشار بیانیه‌ای رسمی از سوی فرانسه که در آن از سرگیری مناسبات میان دو کشور آرزو شده باشد صورت گیرد و این کار در ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ انجام شد. روز ۲۰ مه ۱۹۸۸ برابر ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۷، رولاندوما وزیر خارجه فرانسه از طریق سفارت پاکستان به مقامات ایرانی پیشنهاد کرد که ملاقاتی میان نمایندگان دو کشور صورت گیرد. تهران پس از ۲۴ ساعت به این پیشنهاد پاسخ مثبت داد و مقرر شد کریستین گراف سفیر سابق فرانسه در بیروت با فرستاده ایران آقای علی آهنی در ژنو دیدار و گفتگو کنند. در کمتر از دو هفته پس از این ملاقات، دو کشور زمینه تجدید روابط را فراهم آوردند و طی بیانیه مشترکی اعلام کردند «دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری فرانسه توافق کرده اند که از تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۶۷ (مطابق ۱۶ ژوئن ۱۹۸۸) روابط سیاسی میان دو کشور را تجدید و سفرای خود را به زودی مبادله کنند».<sup>۲۸</sup>

آقای «ژرار نوریل» بعنوان کاردار موقت فرانسه در تهران معرفی شد و پرچم جمهوری اسلامی ایران از بامداد روز پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۶۷ بر فراز ساختمان سفارت ایران در پاریس به اهتزاز درآمد. سپس در ۱۵ تیر ۱۳۶۷ «کریستین گراف» سفیر جدید فرانسه در تهران و همچنین در ۲۳ تیر ۱۳۶۷ آقای علی آهنی سفیر جدید ایران در پاریس استوارنامه‌های خود را تقدیم رؤسای جمهوری نمودند. ایران نیز در ۲۸ تیر ۱۳۶۷ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در مورد جنگ ایران و عراق را پذیرفت.

### زمینه‌های تعمیق و گسترش روابط

همانطور که پیش‌تر یادآور شدیم، از جمله هدفهای فرانسه از تلاش برای بهبود مناسبات با ایران، حضور در برنامه‌های بازسازی پس از جنگ بود. فرانسه نمی‌خواست به علت حمایتها و کمکهای یکجانبه‌ای که در خلال جنگ به عراق کرده بود، و بدین ترتیب سوءظن ایرانیان را برانگیخته بود، روابطش با ایران در دوره پس از جنگ آسیب ببیند. ایران نیز با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ثابت کرد که در منطقه اهداف توسعه طلبانه ندارد و برای تأمین منافع ملی خود، ثبات، امنیت و صلح در منطقه را ترجیح می‌دهد. چنین امری باعث شد که بخشی از نگرانی‌های دنیای غرب نسبت به نفوذ و تسلط ایران در منطقه از میان برود. نکته‌ای که توجه خاص اروپای غربی را جلب نمود این بود که ایران در سیاست خارجی خود، حساب آمریکا را از اروپای غربی جدا کرده بود. ایران حاضر بود به شرط رعایت منافع متقابل با کشورهای اروپای غربی وارد معامله شود و روابطی خوب در سطح گسترده با آنها

کردند که ناخواسته وارد جنگ بی‌موردی شده اند و امکان حل آن از طریق مذاکرات وجود دارد. طرح فرانسه در تماس با ایران برای آزادسازی گروگانها ناتمام مانده بود و تعدادی از آنها هنوز در اسارت گروههای لبنانی به سر می‌بردند. تحلیل‌گران بین‌المللی نیز اظهار می‌کردند که ایران برای حل قضیه جنگ با عراق، به دنبال راههای جدید دیپلماتیک می‌گردد. لذا فرانسه احتمال زیادی می‌داد که بزودی جنگ ایران و عراق بدون پیروزی یک طرف پایان یابد و در این صورت امکان زیادی برای سرمایه‌گذاری در بازسازی دو کشور وجود خواهد داشت. فرانسه که در دوره جنگ روابط خوبی با عراق برقرار کرده بود، قطعاً نمی‌خواست پس از پایان جنگ، حسن ظن و در پی آن بازار ایران را کاملاً از دست بدهد، لذا سیاست نزدیکی با ایران را در پیش گرفت. شارل پاسکوا وزیر کشور وقت فرانسه مأمور شد راه حلی برای از سرگیری مذاکرات با ایران پیدا کند. وی شیوه مذاکرات مخفی را مناسب دانست و بدین ترتیب ۵ نفر مأمور ویژه را انتخاب کرد تا با مأموران ایران در فرانکفورت، وین، مالت و کراچی تماس برقرار نمایند و به ایران پیام دهند که فرانسه دشمن ایران نیست و باید از جنگ بی‌حاصل سفارتخانه‌ها دست کشید.

از آنجا که مذاکرات در این دوره کاملاً محرمانه بوده، حتی اطلاعات محدودی نیز از روند آن در اختیار نداریم ولی به هر ترتیب طرفین سرانجام توافق نمودند که روند بهبود مناسبات با همان شیوه قبلی از سر گرفته شود. در نوامبر ۱۹۸۷ دو نفر دیگر از گروگانهای فرانسوی آزاد شدند. آقای گرجی نیز نهایتاً در ۲۹ نوامبر همان سال نزد قاضی ژیل بولوک حاضر شد و پس از بازپرسی ۲ ساعته به وی گفته شد که مدرکی بر ضد وی در دست نیست و آزاد است. فرانسه در دسامبر همین سال، مبلغ ۳۳۰ میلیون دلار از بدهی خود به ایران را پرداخت کرد و آقای معیری معاون سیاسی نخست‌وزیر وقت، در مصاحبه با فیگارو در ۲۴ دسامبر ۱۹۸۷ (برابر ۳ بهمن ۱۳۶۷) اظهار داشت که تا امروز تقریباً ۶۳۰ میلیون دلار از وام یک میلیارد دلاری خود به فرانسه را پس گرفته ایم.

گذشته از قضیه دریافت بدهی‌ها، علت مهم دیگری که ایران را به بهبود مناسبات تشویق می‌کرد، اهمیت موضع اعضای دائمی شورای امنیت در سازمان ملل در قبال جنگ ایران و عراق بود. دولت ایران به علت مخالفت‌های پیشین خود با قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل در انزوا قرار گرفته بود و از سوی دیگر کشورهای عربی در نشست‌های خود ایران را به بهانه پافشاری در ادامه جنگ محکوم می‌کردند. از همین رو ایران در صدد بود از حمایت دولتهایی چون فرانسه در شورای امنیت سازمان ملل برخوردار شود تا پس از پذیرش قطعنامه، ضامن اجرای مفاد آن باشند. البته ایران در همه مذاکرات خود با فرانسه به مدل تبادل طرفینی اعتقاد داشت؛ لذا در قضیه آزادی گروگانهای فرانسوی نیز آزاد شدن انیس نقاش نیز مطرح شده بود. ایران اظهار می‌داشت که به عنوان میانجی، معتقد به انجام عمل متقابل است و در برابر آزادی گروگانهای فرانسوی باید به خواسته گروه‌های انقلابی لبنان مبنی بر آزادی انیس

آقای لاریجانی نیز در دیدار با هیئت مذکور گفت: «فرانسه با توجه به تواناییهای بالقوه‌ای که دارد می‌تواند نقش فعالی در بازسازی کشورمان به عهده گیرد.» نماینده حزب سوسیالیست هم اظهار داشت: «ما خواهان گسترش روابط هماهنگ میان دو ملت بر اساس منافع متقابل هستیم و مایلیم با جمهوری اسلامی ایران در تمامی زمینه‌ها همکاری داشته باشیم. ما مایلیم که روابط و همکاریهای لازم میان شرکت‌های خصوصی و دولتی در کوتاهترین زمان ممکن از سر گرفته شود.» طی همین دیدارها بود که هیئت پارلمانی فرانسه اعلام کرد، رولان دوما وزیر خارجه فرانسه به زودی از تهران دیدن خواهد کرد.<sup>۵۳</sup>

سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاریس در ملاقاتی با رولان دوما، پیام کنیی دکتر ولایتی را به وی تسلیم کرد و خاطر نشان ساخت که از سرگیری مذاکرات مربوط به حل اختلافات مالی میان دو کشور، مناسبات تهران و پاریس را تقویت خواهد کرد. رولان دوما نیز به نوبه خود بر تلاش برای تحکیم آتش بس و برقراری صلحی پایدار در منطقه تأکید کرد.

در ۱۵ بهمن ۱۳۶۷، رولان دوما در رأس هیئتی ۳۰ نفری از بازرگانان فرانسوی برای یک دیدار رسمی دوازده روزه به ایران سفر کرد. وزیر خارجه فرانسه در پایان دیدار رسمی خود، نتایج سفرش را کاملاً مثبت ارزیابی کرد و گفت در این دیدار به اهداف خود دست یافته و گفتگوهای سیاسی بسیار سازنده‌ای با مقامات جمهوری اسلامی ایران انجام داده است. دوما افزود گذشته از گفتگوهای سیاسی با رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ایران، در دیدار با وزیر صنایع سنگین و وزیر نفت، روش حل و فصل نهایی اختلافات دو کشور بررسی شده است. در طول این سفر زمینه‌های گوناگون همکاری از جمله در مورد اتومبیل، نفت، احداث راه آهن و غیره مورد بررسی قرار گرفت و موافقت‌نامه‌هایی میان دو کشور به امضاء رسید.

دکتر ولایتی هم در مصاحبه‌ای، با تمرین خواندن این مذاکرات گفت دو کشور برای تقویت مناسبات فیما بین هنوز راه درازی در پیش دارند. وی در پاسخ به این پرسش که آیا آزادی انیس نقاش عاملی برای

بهبود روابط دو کشور است گفت: «آزادی او می‌تواند در بهبود روابط عامل مهمی به شمار رود زیرا دولت فرانسه در زمان تصدی ژاک شیراک از ایران خواسته بود از نقش معنوی خود در لبنان برای آزادی گروگانهای فرانسوی بهره جوید و درازای آن انیس نقاش مورد بخشش دولت فرانسه واقع شود. اما تا امروز فرانسه به قول خود عمل نکرده است.»<sup>۵۴</sup>

فرانسو امیتران در مصاحبه‌ای که در ۲۳ نوامبر ۱۹۸۸ م انجام داد در مورد روند عالی‌سازی روابط با ایران گفت: «می‌دانیم روابط دیپلماتیک برقرار شده است؛ جریان مبادلات تجاری نیز در حال کامل شدن است. دو طرف در حال برداشتن محدودیتهای توسعه مبادلات به ویژه در زمینه نفتی می‌باشند.» امیتران ضمن رد هرگونه توافق با ایران

برقرار نماید. فرانسه که حیات اقتصادی آن سخت در گرو تجارت خارجی است، نمی‌خواست در این صحنه رقابت بی‌نصیب بماند.

آنچه در این برهه برای ایران حائز اهمیت فراوان بود، اجرای دقیق بندهای قطعنامه ۵۹۸ و عدم مذاکره در چارچوبی خارج از مفاد این قطعنامه بود. در این راستا برای تقویت و پیشبرد این سیاست، برخورداری از حمایت دولتهای دیگر بویژه اعضاء دائمی شورای امنیت اهمیت خاصی داشت. در همین رابطه سفیر فرانسه در تهران طی دیدار با آقای جواد لاریجانی معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه ایران اظهار داشت: «فرانسه معتقد است که قطعنامه ۵۹۸ باید به طور دقیق اجراء شود. ما در این راستا همه گونه حمایت از دبیرکل به عمل خواهیم آورد.»<sup>۵۵</sup> پس از این ملاقات، آقای لاریجانی به منظور یک دیدار کوتاه در ۱۶ شهریور ۱۳۶۷ وارد پاریس شد و با میشل روکار نخست‌وزیر و سپس رولان دوما وزیر خارجه فرانسه گفتگو کرد.<sup>۵۶</sup> تقریباً یک ماه و نیم بعد، در ۲۹ اکتبر ۱۹۸۸ بار دیگر لاریجانی برای یک دیدار رسمی ۳ روزه از فرانسه و مذاکره با مقامات آن کشور وارد پاریس شد.

وی در این دیدار با والرئیسکار دستن، رئیس‌جمهور سابق و رئیس وقت کمیسیون روابط خارجی مجمع ملی و همچنین با مسئول امور بین الملل حزب سوسیالیست و رولان دوما وزیر خارجه فرانسه دیدار و گفتگو کرد. وزیر خارجه فرانسه در این دیدار تأکید کرد: «ما همواره از اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ و همچنین نقش و فعالیتهای دبیرکل در این جهت حمایت کرده و خواهیم کرد. فرانسه مصمم است روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌ها بسط و گسترش دهد.»

از جمله مسائلی که در این دیدار مطرح شد برگزاری یک کنفرانس بین المللی در مورد سلاحهای شیمیایی در پاریس بود. در همین رابطه، پس از یک هفته، سفیر فرانسه در تهران در دیدار با آقای لاریجانی اظهار داشت، برگزاری هر کنفرانسی در زمینه منع کاربرد سلاحهای شیمیایی بدون حضور جمهوری اسلامی ایران بی‌معنا خواهد بود. لاریجانی نیز در این ملاقات تصریح کرد که جمهوری اسلامی برای موفقیت کنفرانس سلاحهای شیمیایی در پاریس از همکاری و مساعدت دریغ نخواهد کرد.

به تدریج روند گسترش روابط دو کشور چشمگیرتر شد و ملاقات‌ها و دید و بازدیدها از پس هم صورت گرفت هیئتی از نمایندگان پارلمان فرانسه مرکب از سوسیالیستها و سانترالیستها<sup>۵۷</sup> برای مذاکره پیرامون روابط دوجانبه با مقامات ایرانی در ۵ آذرماه ۱۳۶۷ به تهران آمدند و با معاون سیاسی نخست‌وزیر و سپس با بشارتی قائم مقام وزیر امور خارجه دیدار و گفتگو کردند. بشارتی اعلام داشت: «ما علاقمند هستیم که فرانسه سهم مهمی در بازسازی کشورمان داشته باشد و از این طریق گذشته خود را جبران کند. ما خواهان روابط دائمی با فرانسه بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک هستیم.» نماینده حزب سوسیالیست نیز در این دیدار گفت: «اراده ما این است که توازن را که شرط صلح است در منطقه ایجاد کنیم.»

در مورد معامله بر سر گروگانهای فرانسوی و انیس نقاش افزود: «تعهد ما فقط از سرگیری روابط بوده است.»<sup>۵۵</sup>

شایان ذکر است که قضیه انیس نقاش به موضوع اختلافات و تسویه حسابهای داخلی دستگاههای دولتی فرانسه تبدیل شده بود. میتران، از شیراک انتقاد می کرد که بی جهت در مسئله انیس نقاش به ایران قول داده است زیرا آزادی متهمان به قتل صرفاً در حوزه اختیار رئیس جمهور است. البته محافل خبری فرانسه واکنش میتران را به نحو خاصی تفسیر می کردند؛ از دیدگاه آنها، میتران نمی خواست در آینده به معامله با گروههای گروگانگیر متهم شود. میتران علیرغم این قضایا به بهبود روابط ایران و فرانسه امیدوار بود زیرا در جریان جنجالهای مطبوعاتی در خصوص اعدام تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق در ایران، در مصاحبه ای مطبوعاتی به صراحت اعلام کرد: «وضع حقوق بشر در ایران هرچه باشد رابطه ما با این کشور ادامه خواهد یافت.»<sup>۵۶</sup>

به دنبال ماجرای سلمان رشدی و فتوای امام خمینی (قدس سره) مبنی بر ارتداد و واجب القتل بودن رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی، جامعه اقتصادی اروپا تصمیم گرفت سفرای کشورهای عضو این جامعه را از تهران فراخواند. سفیر فرانسه نیز از طرف دولت متبوعش فراخوانده شد. اما برای کند کردن روند تشنج بین تهران و پاریس در ۲۱ مارس، رولان دوما وزیر خارجه وقت فرانسه اعلام داشت سفیر فرانسه در تهران به زودی به محل مأموریت خود بازخواهد گشت.<sup>۵۷</sup>

حادثه دیگری که تشنج محدودی در روابط دوجانبه ایجاد کرد، اظهارات امام جمعه موقت تهران در ۵ ماه مه ۱۹۸۹ مبنی بر قتل غریبها در مقابل کشته شدن فلسطینیها بود. گرچه این بیانات پنج روز بعد اصلاح شد، ولی سفیر فرانسه که از ماه مارس از ایران رفته بود در بازگشت سریع به ایران تأمل کرد.

بالاخره دولت فرانسه همراه دولت آلمان در تاریخ ۱۲ ژوئن تصمیم خود مبنی بر اعزام سفیر به ایران را عملی ساخت.<sup>۵۸</sup> در ۱۵ ژوئن ۱۹۸۹ روزنامه کوتیدین به نقل از تهران تایمز نوشت: «رئیس مجلس ایران که به احتمال قوی رئیس جمهور آینده خواهد بود اعلام نمود که ایران هرگز درهای روابط دوستانه و منطقی با اروپا را که بر اساس یک استراتژی واقعبینانه استوار گردیده باشد مسدود نخواهد نمود.» سفیر وقت ایران در فرانسه نیز در خصوص قضیه انیس نقاش گفت آزادی انیس نقاش شرط بهبود روابط نیست بلکه اقدامی برای نشان دادن حسن نیت از طرف فرانسه است.

در ۲۴ اکتبر ۱۹۸۹، معاون وزیر امور خارجه ایران و دبیرکل وزارت خارجه فرانسه مذاکرات مربوط به اختلافات مالی را از سر گرفتند. در این رهگذر، آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه ای اعلام کرد، ایران خواسته ویژه ای از فرانسه ندارد و امیدوار است با تلاشهای دوجانبه اختلافات مالی دو کشور مرتفع گردد. در ۶ دسامبر ۱۹۸۹ نیز

«فرانسواشر» دبیرکل وزارت خارجه فرانسه با معاون وزیر امور خارجه ایران در مورد اختلافات مالی دو کشور بحث و گفتگو نمود. فرستاده فرانسوی خاطرنشان ساخت که ایران به صلح دست یافته است و می تواند به عنوان طرف اقتصادی بااهمیتی شناخته شود. به دنبال آن، یک هیئت ۳۲۰ نفری از تجار و صاحبان صنایع فرانسه به ایران سفر کردند.<sup>۵۹</sup>

در این دوره، انیس نقاش در زندان دست به اعتصاب غذا زد و میتران اعلام کرد در صورتی که وی دست از اعتصاب غذا بردارد، می تواند به آزادی امید داشته باشد. در فرانسه، دست راستی ها، به ویژه شیراک، میتران را تحت فشار قرار دادند و بالاخره در ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۷ انیس نقاش مورد عفو رئیس جمهور قرار گرفت و آزاد شد. شایان ذکر است که در نظام قضایی فرانسه، حق عفو از اختیارات رئیس جمهور است و به توضیح و تفسیر نیاز ندارد. این نخستین بار نبود که

رئیس جمهور فرانسه در این گونه قضایا، از اختیار مزبور استفاده می کرد: در زمان ژسکار دستن در سال ۱۹۷۷، ابوداود که برخی از محافل خبری از وی به عنوان بزرگترین قاتل قرن یاد کرده اند، چهار روز پس از دستگیری از فرانسه اخراج شد؛ در سال ۱۹۷۸ دو عراقی که متهم به قتل یک پلیس فرانسوی بودند بلافاصله پس از دستگیری اخراج شدند؛ حتی در دوره ریاست جمهوری میتران، رئیس خرابکاران ارتش سرخ ژاپن پس از تحمل یک ماه زندان، آزاد گردید. انیس نقاش در واقع نخستین کسی بود که ۱۰ سال زندان را پشت سر گذاشت و سپس آزاد شد.

در رابطه با پروژه های بزرگ پتروشیمی ایران، در تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۹۰ (برابر با ۱۴ شهریور ماه) یک قرارداد همکاری بین بانک مرکزی و شرکت ملی پتروشیمی ایران و بانک فرانسوی «سوسیته ژنرال» به ارزش ۱/۸ میلیارد دلار معادل ۹/۵ میلیارد فرانک به امضا رسید.

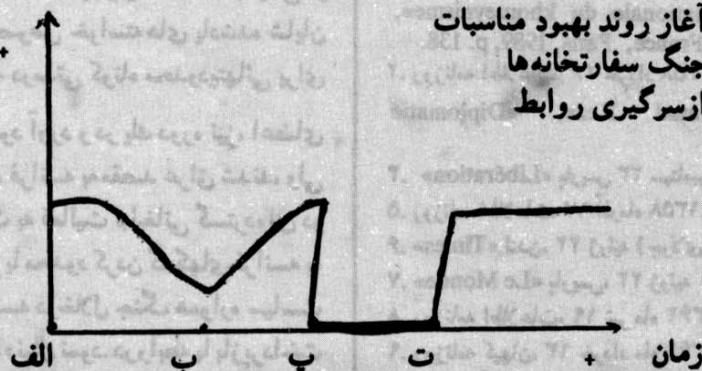
به موجب این قرارداد، بانک مزبور متعهد شد منابع مالی لازم برای اجرای پروژه های پتروشیمی بندر امام و فاز دوم پتروشیمی اراک و تأسیس یک واحد تولید کود شیمیایی در خراسان را از طریق مؤسسات بین المللی فراهم سازد. قرارداد مذکور نشانه ای از حسن تفاهم ایجاد شده و زمینه گسترش مبادلات صنعتی و بازرگانی ایران و فرانسه می باشد.

## نتیجه گیری

در پایان این بحث می توان منحنی زیر را که بیانگر تحولات روند مناسبات ایران و فرانسه در دهه اول انقلاب اسلامی است، ترسیم کرد.

## منحنی روابط ایران و فرانسه در دهه اول انقلاب اسلامی

سطح روابط



الف: بهمن ۱۳۵۷

ب: ۱۳۶۲، آغاز روند بهبود مناسبات

پ: ۱۳۶۶، جنگ سفارتخانه‌ها

ت: ۱۳۶۷، ازسرگیری روابط

را در خلال جنگ مصرف می‌کرد و نهایتاً برای حفظ موازنه‌های منطقه‌ای و تأمین تسلیحات ضروری درآینده به غرب رومی آورد. دولت فرانسه تلاش کرد ضمن حفظ روابط عالی با عراق که زمینه مناسبی برای فروش تسلیحات فرانسوی فراهم می‌کرد، به تدریج روابط خود با ایران را بهبود بخشد. فرانسه دریافت که ایران اسلامی، با وجود جنگ، مشکلات داخلی و تحریمهای اقتصادی، از توانایی حفظ ثبات سیاسی برخوردار است، لذا با شیوه اعطای امتیازات محدود و تدریجی به بهبود مناسبات خود با ایران پرداخت. روند این بهبود روابط تا ماجرای نابهنگام جنگ سفارتخانه‌ها ادامه داشت. قطعاً حضور فعال گروههای طرفدار عراق و اسرائیل در دستگاه دولتی و مطبوعاتی فرانسه در تیره کردن روابط دو کشور در این برهه از زمان نقش جدی داشته است، زیرا در حالی که مناسبات به شکل مناسبی بهبود و گسترش می‌یافت، اتهام يك کارمند عادی سفارت ایران که بعداً نیز واهی بودن آن توسط قوه قضائیه فرانسه آشکار شد به قطع کامل روابط دو کشور انجامید. پس از اندک زمانی، دو کشور تصمیم گرفتند بار دیگر مناسبات قیمابین را بهبود بخشند و بدین ترتیب با ازسرگیری روابط، همکاری‌ها در سطح وسیعتری تداوم یافت.

برای ارائه يك تحلیل نهایی، تحلیل خود را به دو سطح خرد و کلان تقسیم می‌کنیم. در سطح خرد، با اندکی اغماض، می‌توان مواضع بموقع و قاطع وزارت امور خارجه ایران را مثبت ارزیابی کرد، بدین معنی که اگر وقایع را فرد فرد مورد بررسی قرار دهیم، سیاست خارجی ایران در زمینه روابط با فرانسه را کمابیش می‌توانیم موفق

بدانیم. در این راستا هشیاری، دقت نظر و تلاشهای بی‌وقفه مقامات مسئول چه در وزارت خارجه و چه در سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس، شایسته تقدیر است.

آغاز روابط جمهوری اسلامی ایران با فرانسه، به علت پذیرائی آن کشور از رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس سره) و موضع بیطرفانه فرانسه در جریان انقلاب اسلامی، دورنمای مثبت و امیدوارکننده‌ای ازآینده روابط دو کشور به دست می‌داد. به تدریج که تضاد اندیشه و منافع از پرده ابهام بیرون افتاد و به‌رویارویی در صحنه عمل کشانده شد، مناسبات دو کشور دچار تلاطمهای شدید گشت و سیر نزولی در پیش گرفت.

علتهای اصلی که به تردید ایران نسبت به توسعه روابط با فرانسه دامن می‌زد، رفتار سیاسی فرانسه در سه زمینه زیر بود: اولاً، فرانسه پایگاهی برای ضدانقلابیون و فراریان به ویژه گروهک منافقین شده بود و محافل مطبوعاتی فرانسه نیز در مقالات انتقادآمیز خود، جریان انقلاب اسلامی در ایران را به عنوان خطری که حقوق بشر، فرآیند دموکراسی و نهایتاً منافع غرب را تهدید می‌کند معرفی می‌کردند؛ ثانیاً، حمایت فرانسه از عراق در خلال جنگ تحمیلی، زمینه‌های سوءظن شدید ایرانیان نسبت به فرانسه را برانگیخته بود؛ و بالاخره خودداری فرانسه از بازپرداخت بدهی يك میلیارد دلاری خود.

نکته‌ای که فرانسه را به همکاری با عراق و مقابله با انقلاب و امی داشت همگامی دولت عراق با دنیای غرب در جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی در منطقه بود. از دیدگاه غریبه‌ها، جنگ بهترین عاملی است که رفتار دولت‌مردان طرفدار يك ایدئولوژی آرمان‌گرا را عقلایی (به مفهوم غربی آن) و واقعینانه می‌کند. تهاجم عراق به ایران عاملی بود که می‌توانست سدی در مقابل نفوذ ایران در حوزه منطقه‌ای باشد و ایران را درگیر جنگی فرسایشی و درازمدت

نماید. بدین طریق، به تمان غربیان، ایران انقلابی بخش عمده‌ای از انباشته‌های ارزی خود و حجم وسیعی از تسلیحات ذخیره شده خود

## پانوشت:

1. DJALILI, Mohammad Reza, «Diplomatie islamique, stratégie internationale du khomeynisme», Presses universitaires de France, Paris, 1989, p. 138.

۲. روزنامه اطلاعات، ۲۶ خرداد ۱۳۵۸.

3. DJALILI, Mohammad Reza, «Diplomatie islamique...» Ibid, p. 139.

۴. «Libération» پاریس ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۱.

۵. روزنامه اطلاعات، ۱۷ آذرماه ۱۳۵۸.

۶. «Times» لندن، ۲۲ ژوئیه (جولای) ۱۹۸۰.

۷. «Le Monde» پاریس، ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۰.

۸. روزنامه اطلاعات، ۱۹ تیر ماه ۱۳۶۲.

۹. روزنامه کیهان، ۱۳ خرداد ماه ۱۳۶۱.

۱۰. روزنامه الشرق الاوسط، چاپ لندن، ژانویه ۱۹۸۸.

۱۱. مجله کل العرب، مصاحبه با کلودشسون، چاپ فرانسه، ۳۰ دسامبر ۱۹۸۷.

۱۲. روزنامه اطلاعات، ۱۷ آذرماه ۱۳۶۱، نقل از رویتر.

۱۳. این دیدار دوبار به تعویق افتاد. بار اول در ژوئن ۱۹۸۱ به علت بمباران تاسیسات هسته‌ای ساخت فرانسه در عراق توسط اسرائیل که دولت میتران آن را بعنوان مسئله‌ای غیرقابل قبول و بسیار خطرناک تعبیه نمود و بار دوم در ژانویه ۱۹۸۲ به علت الحاق بلندیهای جولان به اسرائیل که کلودشسون آن را نقض واقعی حقوق بین الملل خواند.

14. DJALIL, Mohammad Reza, «Diplomatie...» Ibid, p. 140.

۱۵. نشریه فرانسوی زبان «Magazine» چاپ لبنان، ژوئن ۱۹۸۰.

۱۶. در ادامه این اطلاعیه آمده است: «فرانسه علاوه بر امضای قرارداد مربوط به تحویل شصت هواپیمای میراژ، قراردادهای متعدد دیگری نیز با عراق امضاء کرده است. فرانسه که قسمت عمده نیازهای نفتی خود را از عراق تأمین می‌کند متعهد شده است یکصد تانک سنگین ماکس ۳۰، پنجاه تانک سبک، چهل هلی کوپتر حمل و نقل و بیست هلی کوپتر سبک به عراق تحویل دهد. قبل از جنگ ایران و عراق فرانسه چهارصد خودرو زرهی نیز به عراق فرستاده بود». روزنامه اطلاعات، ۱۲ بهمن ۱۳۵۹.

۱۷. روزنامه اطلاعات، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۲.

۱۸. «Le Monde» پاریس، ۲۴ ژوئن ۱۹۸۳.

۱۹. الگمانته، فرانکفورت، ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۳.

۲۰. اطلاعات، ۱۱ فروردین ۱۳۶۶.

۲۱. «De Paris»، ۷ فوریه ۱۹۸۳.

۲۲. اطلاعات، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۲، نقل از واشنگتن پست.

۲۳. اطلاعات، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۲.

۲۴. پیشین، ۱ اسفند ۱۳۵۸.

۲۵. پیشین، ۴ اردیبهشت ۱۳۵۸.

۲۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶ آذرماه ۱۳۶۲.

۲۷. کیهان، ۲۷ آذر ۱۳۶۲.

۲۸. «Le Matin» فرانسه، ۲۲ آوریل ۱۹۸۶.

۲۹. اسامی ربهوده شدگان عبارت بود از «ژرژانسه»، «اورل کونه» و «ژان لویی نرماندی».

۳۰. «Economiste» فرانسه، ۱۵ مارس ۱۹۸۶.

۳۱. اطلاعات، تهران، ۱۹ آذر ۱۳۶۶.

۳۲. هواداران سازمان منافقین در پاریس با تهیه یک اتوکاروان، در برابر دفتر سازمان ملل در قسمتی که به پناهندگان سیاسی ارتباط داشت مستقر شدند و

لیکن با نگرش در سطح کلان، روند سیاست ایران در قبال فرانسه در قالبی انفعالی ارزیابی می‌شود؛ بدین معنی که ایران تلاش کرد با مطرح ساختن سه درخواست، روند بهبود مناسبات را با توجه به خواسته‌های مزبور پیش ببرد، اما عملاً در درازمدت فقط به یکی از خواسته‌های خود نائل آمد. درخصوص خواسته‌های یادشده شایان ذکر است که گرچه دولت فرانسه در مدتی کوتاه محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های سازمان منافقین به وجود آورد و در یک دوره نیز، اعضای گروهک مزبور مجبور به ترك خاک فرانسه به مقصد عراق شدند، ولی مجدداً به فرانسه بازگشتند و دست به فعالیت تبلیغاتی گسترده‌ای در محافل مختلف زدند. در مورد قطع یا محدود کردن کمک‌های فرانسه به عراق، ایران توفیقی نیافت و فرانسه در خلال جنگ همواره سیاست کمک به عراق و تسلیح آن کشور را دنبال نمود. در رابطه با بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری، هرچند توفیقاتی نصیب ایران شد، اما نباید از خاطر دور داشت که اولاً فرانسه به تدریج و در قبال اخذ امتیاز به پرداخت بدهی خود اقدام کرد و ثانیاً در مجموع امتیاز مهمی به ایران نداد بلکه در واقع بدهی خود را که موظف به پرداخت آن بود، پس داد.

درخصوص آینده روابط دو کشور می‌توان نکات زیر را در نظر گرفت:

۱- با اینکه تاکنون گروه‌های دست راستی و در رأس آنها گروه ژاک شیراک آمادگی بیشتری برای بهبود روابط با ایران از خود نشان داده‌اند اما نباید فراموش کرد که این گروه در سیاست خارجی عمدتاً پراگماتیست هستند و بر همین اساس بدون ملاحظات ایدئولوژیک در راستای منافع اقتصادی فرانسه، به روابط با کشورهای مختلف از ایران گرفته تا عراق و اسرائیل می‌پردازند. لذا نباید تصور کرد که جناح شیراک علاقه خاص و یک طرفه‌ای نسبت به توسعه روابط با ایران و حمایت از کشور ما دارد.

۲- حیات اقتصادی امروز فرانسه تا اندازه زیادی به تجارت و مبادلات بازرگانی وابسته است. بنا به گفته کارشناسان اقتصادی فرانسه، از هر سه نفر کارگر در فرانسه، یک کارگر در بخش صادرات کاری می‌کند. لذا تجارت خارجی سودآور و توسعه منافع اقتصادی از اولویتهای مهم در سیاست خارجی فرانسه است. چنین پدیده‌ای ضمن اینکه امکان گسترش روابط در سطح اقتصادی را افزایش می‌دهد ولی گویای آنست که تجار ماهری از سوی فرانسه بر سر میز مذاکرات خواهند نشست.

۳- فرانسه از دیرباز برگسترش روابط فرهنگی با دیگر کشورها و ترویج زبان فرانسه اهمیت خاص قائل شده است. در صورت برنامه‌ریزی دقیق و مطالعه شده، زمینه مناسبی برای توسعه روابط دو کشور در زمینه فرهنگی، به ویژه مبادلات علمی وجود خواهد داشت.

کشتی‌های فرانسوی در خلیج فارس حمله کند فرانسه تدابیر لازم را اتخاذ خواهد کرد. وی افزود کشتیهای جنگی فرانسه در خلیج فارس حرکت خواهند کرد و مأموریت آنها کمک به کشتیهای است که مورد حمله قرار می‌گیرند.

۴۷. اطلاعات، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۷.

۴۸. پیشین، ۲۴ خرداد ۱۳۶۷.

۴۹. پیشین، ۱۲ شهریور ۱۳۶۷.

۵۰. پیشین، ۱۶ شهریور ۱۳۶۷.

۵۱. پیشین، ۱۶ آبان ۱۳۶۷.

۵۲. به نمایندگانی اطلاق می‌شود که در مجلس فرانسه در حدفاصل راستیها و دست چپها می‌نشینند.

۵۳. اطلاعات، ۵ آذر ۱۳۶۷.

۵۴. اطلاعات، ۱۸ بهمن ۱۳۶۷.

۵۵. رادیو فرانس انتر، اول دسامبر ۱۹۸۸.

۵۶. «Libération» فرانسه، ۱۳ فوریه ۱۹۸۹.

۵۷. «Figaro» فرانسه، ۲۱ مارس ۱۹۸۹.

۵۸. مهتران در مورد روابط با ایران در این مقطع گفت: «من و دولت مهشل روکار، روابط دیپلماتیک را با ایران برقرار نموده ایم و این در چارچوب تعهد شیراک به ایران در دوره نخست وزیری وی بود. اما حوادث اخیر بار دیگر جو موجود را برهم زد. ما روابط را با ایران قطع نکرده ایم. البته این حقیقت دارد که سخن گفتن از مرگ و تهدید قابل قبول نمی‌باشد.» «Libération» ۸ می ۱۹۸۹.

۵۹. «Figaro» فرانسه، ۱۱ دسامبر ۱۹۸۹.

اقدام به اعتصاب غذا کردند. از آنجا که این قضایا با انتخابات ریاست جمهوری فرانسه همزمان بود، این سازمان سعی کرد از اختلاف سوسیالیستها و دولت شیراک استفاده کند. سوسیالیستها نیز مواضع این گروه را تقویت کردند. بسیاری از شخصیتهای سوسیالیست از جمله همسر مهتران، وزیر سابق فرهنگ فرانسه که از سوسیالیستها بود و چند هنرپیشه و یک کشتی طرفدار فلسطینیان در جمع اعتصاب کنندگان حضور یافتند. یادکنکهای اکسیژن که پلاکاردهای سازمان منافقین بر آن نصب شده بود در مدت ۲۴ روز در میدان «ترکادو» در حوالی برج ایفل به هوا فرستاده شد. در شب میلاد مسیح نیز هواداران گروهک مزبور در کنار کلیسای تتردام پاریس مراسم شام غریبان تدارک دیدند.

۳۳. اطلاعات، ۱۹ آذرماه ۱۳۶۶.

۳۴. «De Paris» فرانسه، ۳۱ مارس ۱۹۸۷.

۳۵. مجله میدل ایست، اوت ۱۹۸۵.

۳۶. اطلاعات، ۱۱ مرداد ۱۳۶۵.

۳۷. پیشین، ۸ آبان ۱۳۶۵.

۳۸. پیشین، ۲۷ آبان ۱۳۶۵.

۳۹. پیشین، ۱۱ آذر ۱۳۶۵.

۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، پاریس، ۸ تیر ۱۳۶۶.

۴۱. خبرگزاری استکهلم، ۶ ژوئن ۱۹۸۷.

۴۲. اطلاعات، ۱۸ تیر ۱۳۶۶.

۴۳. پیشین، ۲۴ تیر ۱۳۶۶.

۴۴. پیشین، ۲۲ تیر ۱۳۶۶.

۴۵. خبرگزاری فرانسه، پاریس، ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۷.

۴۶. وزیرخارجه فرانسه در مصاحبه‌ای اعلام داشت اگر ایران به

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی